

آواربرداری اقتصادی بعد از دولت ریسی کار حضرت فیل است

ادامه از صفحه نخست:
وی افزود: «چون ریسی مجلس بعدی مانند روسای دوره‌های قبل اقتدار کافی ندارد، یعنی یک ریسی ضعیفی خواهد بود، بنابراین اختلاف بین مجلس و دولت به نظر من در مجلس دوازدهم تشدید خواهد شد.»
دولت سیزدهم از زمان هوشنتر تا امروز هوشنتره تا امروز ضعیف‌ترین دولت تاریخ ایران است.»

دولت تاریخ ایران است

این فعال سیاسی اصولگرا در ارزیابی عملکرد و پایبندی دولت به شعارهایی که داده است، مدعی شد: «دولت سیزدهم از زمان هوشنتره تا امروز ضعیف‌ترین دولت تاریخ ایران است.»

کوچک و بزرگ دیگر هم داده‌اند.»
مهاجری در پیش‌بینی خود از آینده سیاسی دولت ریسی عنوان کرد: «پیش‌بینی من این است که آقای ریسی آن‌شالله ریسی دولت چهاردهم هم خواهد بود و متأسفانه وضعیت فعلی همچنان ادامه خواهد داشت و به قول شاعر این قافله تا به حشر لنگ است.»

غم‌میباد

نویسنده و شاعر گرانقدر، جناب «عبدالرضا فریدزاده»؛
درگذشت همسر دل‌بند و گرامی‌تان را غم‌میباد گفته، ما را نیز در اندوه خویش، شریک بدانید.
مدیر مسئول و هیئت تحریریه هفته‌نامه سیمره

یادمان

بزرگ‌داشت یاد و خاطره‌ی دو کنشگر اجتماعی در خرم‌آباد



در آیین یاد و خاطره‌ی دو کنشگر اجتماعی، سید مجتبی صورتیان عضو انجمن تعامل توسعه و محمدرضا کاشوری عضو انجمن صیانت از بام خرم‌آباد، گرمای داشته شد.
به گزارش سیمره، این آیین به همت شورای هماهنگی جمعی از تشکل‌های خرم‌آباد و چگنی با همکاری بنیاد ایران‌شناسی شعبه‌ی لرستان، هفدهم اردی‌بهشت ۱۴۰۳، در سالن اجتماعات اتاق بازرگانی لرستان برگزار گردید.
اکبر پیامتی، دبیر دوره‌ی شورای هماهنگی تشکل‌ها از این دو گرامی از دست رفته به‌عنوان کسانی یاد کرد که سال‌ها در شورای هماهنگی عضویت داشتند و وقت و عمر خود را در خدمت به مردم سپری کردند.
وی یادآوری کرد: «با قدرتی از این افراد، فرهنگ مشارکت اجتماعی و فعالیت اجتماعی و مدنی را در جامعه ترویج می‌کنیم و به جامعه نشان می‌دهیم که انسان‌ها مسئولیت اجتماعی دارند.»

پیامتی افزود: «باید بخشی از عمر و زندگی خود را برای فعالیت‌های اجتماعی صرف کرد. این دو عزیز در زندگی‌شان چنین کردند و ما یاد و خاطره‌ی آن‌ها را گرامی می‌داریم.»
در ادامه مجتبی صورتیان، رییس بنیاد ایران‌شناسی شعبه‌ی لرستان، با ذکر خاطراتی از زنده‌یادان کشور و صورتیان و یادآوری فعالیت‌های ایشان، برگزاری چنین فعالیت‌هایی را در راستای قدرانی از تلاش‌ها و زحمات افرادی دانست که جز سرمایه‌های این مرز و بوم هستند.»
رومانی افزود: «مایباید جدا از اسطوره‌سازی و قهرمان‌سازی‌های کاذب، خوبی‌ها و نیکی‌های افراد خوب را برجسته کنیم و به‌عنوان الگوی اجتماعی به جامعه معرفی کنیم.»

وی گفت: «امیدواریم این اقدام برای دیگر بزرگان و سرمایه‌های این شهر و استان هم صورت گیرد.»
در ادامه سید محمد قاسمی عضو موسسه‌ی متاخ

مسئول انجمن شاهنامه پژوهان استان لرستان در ادامه، تقی به دیدگاه‌های روش‌شناسی شاهنامه داشت و هم‌چنین به بررسی منش، فرهنگ و آیین شاهنامه نیز پرداخت.
وی گفت: «در مورد شاهنامه بررسی و سخن فراوان شده است ولی متأسفانه آن‌طور که باید و شاید کافی نیست، و پژوهش‌های موجود بیش‌تر جنبه‌ی تحقیقی داشته تا تحلیلی.»

این مدرس دانشگاه افزود: «در آسیب‌شناسی و نقد متون ادبی باید شالوده‌های مبانی روان‌شناسی، مبانی جامعه‌شناسی، مبانی فلسفی و مبانی تاریخی را مورد توجه قرار داد.»

وی گفت: «باید با یک چشم مرکب از زوایای مختلف و تحلیلی به یک گفتمان ادبی نگاه کنیم تا تأویلی کاملاً روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه از متون ارائه دهیم.»

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

به گزارش سیمره، جشن بزرگ‌داشت حکیم فردوسی، صبح روز دوشنبه (۲۴ اردی‌بهشت ماه) در سالن نمایش شهید سلیمانی دانشگاه لرستان به همت انجمن علمی-دانشجویی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان و با همکاری دانشکده‌ی

خاطره

خاطراتی از خرم‌آباد شصت سال پیش

جلال مرادی

بخش پنجم

قبل از این که پل ولیعهد که پس از انقلاب پل شهیدا نامیده شد، احداث گردد ارتباط بین قسمت شرقی و غربی شهر، از پل صفوی یا پل گپ به‌بالا، توسط پلی که از چوب و سنگ و شاخه درختان ساخته شده بود برقرار می‌شد. پل گپ در زمان صفویه و توسط علی‌مردان خان والی نام‌دار لرستان و جد والیان لرستان احداث شده‌است.

کلیه‌ی اراضی محدوده بین رودخانه تا جاده دروازه الشتر که آن‌موقع خاکی بود (سال ۱۳۳۵ خورشیدی) زیر کشت سبزیجات و درختان ممر و غیرممر بود؛ زیرا از سراب شهبوا دو رشته کانال منشعب می‌شد، یکی از این کانال‌ها که فعلاً هم موجود است اراضی محدوده‌ی خیابان مطهری شاه بختی سابق تا حد رودخانه را ای می‌کرد و به رودخانه کرگانه می‌ریخت و رشته‌ی دیگر که از بالای مسیر خیابان معلم فعلی سازمان قلی/ محل ساواک عبور کرده و اراضی بین کانال مذکور و اراضی پایین دست جاده‌ی الشتر را مشروب می‌نمود که درحال حاضر پر شده و به خیابان تبدیل شده است. این کانال تا پایین‌دست شهر امتداد داشت و قسمتی از اراضی بالادست علوی را مشروب می‌کرد. پس از احداث پل ولیعهد تعدادی از متمولین شهر خرم‌آباد اراضی آب‌خور سراب شهبوا را به منازل مسکونی تبدیل کردند و این اراضی به گران‌ترین اراضی شهر تبدیل شدند زیرا آن‌زمان خرم‌آباد فاقد شبکه‌ی آب لوله‌کشی بود و افرادی که در اراضی شهبوا منزل مسکونی ساختند با لوله‌کشی آب سراب، به‌طور مستقل آب را به‌داخل خانه‌هایشان هدایت کردند. از این آب هم به‌عنوان، آب آشامیدنی استفاده می‌شد و هم در حوض خانه‌ها جاری بود و در گرمای تابستان به خانه‌ها طراوت و شادابی می‌داد. هر صاحب‌خانه‌ای حوض بزرگی در وسط حیاط داشت که آب زلال سراب شهبوا از آن می‌جوشید و خنک و روان جویچه‌های داخل حیاط را طی می‌کرد و درختان و سبزیجات و گل‌ها را آبیاری می‌کرد. آب روان سراب شهبوا که از زیر تپه شهبوا می‌جوشید زیبایی و طراوت خاص خود را داشت و مردمان شهر بیش‌تر روزهای جمعه را در کنار آب روان آن به تفریح و نشاط می‌پرداختند. نوازندگان محلی با کمانچه و تنبک نشاط و شور و حال به‌مردم می‌دادند، جوانانی که اهل می و مستی بودند دمی به خمره می‌زدند و با خواندن نواهای عاشقانه یاد مشوقی را زنده نگاه می‌داشتند که آن‌را از دور دیده بودند و حق نداشتند به او نزدیک شوند و ترسان و لرزان گامی از کوچه مشوق گذری می‌کردند و آن‌را که صدایی خوش بود به‌یاد عشقش چچه‌های جانانه سر می‌داد که فریادش بر آسمان بلند می‌شد. یکی از این عشاق به‌نام.....عجب آوای غمانگیز و دل‌نشینی داشت.خودش جوانی زیبا و رعنا بود که فراق یار او را به‌سرحد جنون کشانده بود و سرانجام به مشوق نرسید. عشق، عشق قدیمی بود نه حالا که هیچ‌کس عاشق واقعی نیست. آب سراب شهبوا دو رشته آسیاب آبی را بالاتر از محل بهداری فعلی تأمین می‌کرد که از این دو آسیاب آثاری باقی مانده است. در داخل خرم‌آباد حدود شش آسیاب آبی وجود داشت که اغلب آن‌ها از بین رفته و تنها آسیاب آبی موسوم به آسیاب گیری در ابتدای پشته پا برجاست که جنس آن از سنگ تراشیده می‌باشد و از نظر میراث فرهنگی قابل توجه است ولی متأسفانه به آن توجهی نمی‌شود. احتمالاً آب این آسیاب در زمان باستان از رودخانه کرگانه تأمین می‌شده است چون تنها آب رودخانه کرگانه بر آن مسلط است.

در محل فعلی بیمارستان باختر و درست روبروی سسینما رنگین‌کمان که توسط مرحوم آراسته ساخته شد و با بهترین سینمای تهران رقابت داشت، قهوه‌خانه بزرگی بود که از اوایل

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

روایتگر انسانی دل‌داده و نوع‌دوست هستند که ایثار و رسیدگی به مردم او را در اوج قله‌ی انسانیت قرار داده و نامی سترگ و بزرگ از او در اذهان باقی مانده است. این سرزمین بر خود می‌بالد که فرزندی چون او را در آغوش خود پرورش داده و نام نیکش بر تارک آن می‌درخشد؛ نامش همواره نامیرا و زنده است.

کارتون سیمره

یاسر دلفان



بخش پنجم

خرداد ماه محل اتراق افراد میان سال و سال خورده و به‌خصوص بازنشستگان ارتش بود که از ساعت پنج بعداز ظهر به بعد اندک‌اندک تجمع می‌کردند و با نقل خاطرات خود از جنگ جهانی اول و دوم و دوران سربازی لاف می‌زدند و گزاف می‌کردند. ساعت شش بعد از ظهر، مرشد سید مصطفی می‌آمد و با داستان‌هایی از شاهنامه فردوسی نقلی و سخن‌سرایی می‌کرد من که حدود دوازده سالی از عمرم گذشته بود به اتفاق دوستانم خارج از حصار قهوه‌خانه می‌نشستم و با بازی‌های گوناگون خود را سرگرم می‌کردیم تا سید مصطفی بیاید و ادامه داستان اشکبوس و توس و کاووس و رستم و اسفندیار و گیو و سایر داستان‌های اساطیری را، برای‌مان بازگو نماید. آن‌جا بود که من با شاه‌نامه و شخصیت فردوسی آشنا شدم و بعدها دو بار کتاب شاهنامه را مرور کردم و عاشق اشعارش شدم.

سید مصطفی نقال جوان، بالا بلند و بسیار خوش‌چهره‌ای بود که صدایی بسیار زیبا و رسا داشت و تن صدایش به‌قدری بالا بود که تا دور دست‌ها شنیده می‌شد. داستان‌های شاهنامه را آن‌چنان با زیبایی و تسلط بیان می‌کرد که شنونده را شیفته‌ی خود می‌کرد و هر زمان که داستان را نیمه تمام می‌گذاشت، ما تا روز بعد به‌آن فکر می‌کردیم که دنباله داستان به کجا ختم خواهد شد. و ما در دنیای کودکی، هریک خود را سهرابی فرض می‌کردیم که خواستار نام و نشان بودیم.

اوج نقالی روزی بود که سهراب به‌دست رستم می‌باید کشته شود. آن روز حزن و اندوه همه قهوه‌خانه را فرا می‌گرفت، پسر مردان از قبل دست‌مالی جهت پاک کردن اشک‌هایشان آماده می‌کردند و زمانی که رستم، سهراب را، بر زمین می‌زد فریادهای بلند می‌شد و زمانی که تپه‌گاه سهراب با خنجر رستم پاره می‌شد گویی روز عاشورا بود صدای گریه و ناله مردان برهوا بلند می‌شد و اشک‌ها بر گونه‌ها جاری می‌گشت. ما نیز به‌همراه آنان برای قهرمان جوانی که به‌دست پدر کشته می‌شد، آن قدر اشک می‌ریختم که چشمان‌مان پر از خون می‌شد. اوج گریه زمانی بود که سهراب به‌پدرش می‌گفت:

کنون گر چو ماهی به دریا شوی
و یا چون شب اندر سیاهی شوی
و یا چون ستاره شوی بر سپهر
بتابد بر تو همی ماه و مهر
بخواد هم از تو پدر کین من
چو ببند که خشت است باین من

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

سید مصطفی با حزن و اندوه و در حالی که اشک، از دیدگانش جاری بود این اشعار را می‌خواند و همگی گریه می‌کردیم. هنوز هم که بیش از پنجاه سال از آن زمان می‌گذرد و این اشعار را به ذهن داشتم و نوشتم برای سهراب و آن خاطره، اشک بر دیدگانم جاری شد. گویا امروز همان روزی است که نقال بلند آوازه شهرمان سهراب کشی کرد. با مرگ سهراب که تقریباً یک هفته مانده به پاییز، به پایان می‌رسید، نقالی تمام می‌شد و از آن روز دیگر، نه نقالی به قهوه‌خانه می‌آمد و نه کسی در قهوه‌خانه می‌نشست. امروزه بسیاری از جوانان ما با فرهنگ غنی شاهنامه‌خوانی بیگانه هستند و متأسفانه ماهواره و تلویزیون و گوشی همراه و ... جای شاهنامه را در خانه‌ها گرفته است و اگر جوانان ما همت نکنند و به فرهنگ خود بها ندهند، دیری نخواهد گذشت که از زبان فارسی نامی نخواهد ماند و لغات خارجی جای خود را در زبان مادری جای خواهد گرفت. ادامه دارد...

فرهنگی، هنری، ورزشی

برد خانگی خیبر برابر شهرداری آستارا؛ لرستان یک گام به لیگ برتر فوتبال نزدیک شد



تیم فوتبال خیبر خرم‌آباد روز چهارشنبه (۱۹ اردی‌بهشت ماه) در هفته سی‌ام مسابقات لیگ دسته یک باشگاه‌های ایران با یک گل مهمان خود شهرداری آستارا را شکست داد و یک گام دیگر به لیگ برتر نزدیک شد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، تیم‌های فوتبال خیبر و شهرداری آستارا در جریان هفته سی‌ام مسابقات لیگ دسته یک فوتبال باشگاه‌های کشور ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه در ورزشگاه تختی خرم‌آباد به مصاف هم رفتند.

در دقیقه ۴۰ بازی، بازیکنان شهرداری آستارا با خطا بر روی حمید طاهرخانی مرتکب پنالتی شدند و مهرداد قنبری با ضربه پای چپ خود دروازه این تیم را باز کرد اما داور به دلیل ورود بازیکنان به محوطه‌ی جریمه پنالتی را تکرار کرد و بازم هم قنبری به همان نقطه زد و خیبر را یک بر صفر پیش‌انداخت تیمه اول با این نتیجه پایان یافت.

در نهایت این دیدار با تک گل قنبری به سود خیبر پایان یافت تا این تیم یک گام دیگر به لیگ برتر فوتبال ایران نزدیک تر شود.

محمد صادق نادریور، سینا خادم پور، مهدی کیانی، حمیدرضا طاهرخانی، حسین شهبابی، مهرداد قنبری، حسین ابرقویی، فرید امیری، علی‌رضا امیرخانی و امیرحسین عسکری یاران هم‌چنین عرفان بادی، امیرحسین افسرده، سهیل پوربخش، حسین حداد، علی ملایی،

قایقران لرستانی سهمیه‌ی پارالمپیک پاریس را کسب کرد

را کسب کرد.



سعید حسین‌پور، قایقران اهل کوهدشت لرستان، سهمیه‌ی پارالمپیک پاریس را کسب کرد

به گزارش آوای سیمره به نقل از فدراسیون قایقرانی، سعید حسین‌پور با کسب مدال برنز مسابقات قهرمانی جهان پاراکانو موفق به کسب سهمیه پارالمپیک پاریس شد.

در ادامه‌ی مسابقات قهرمانی جهان و انتخابی پارالمپیک پاراکانو، سعید حسین‌پور در مسابقه فینال A کلاس KL مردان با حریفان روبرو شد.

حسین‌پور، در این رقابت در خط ۳ مسابقه با نمایندگان چین، مجارستان، فرانسه، ایتالیا، پرتغال، اسپانیا و دو قایقران برزیل روبرو شد و در پایان با زمان ۴۸/۴۲ ثانیه صاحب مدال برنز مسابقات شد و سهمیه پارالمپیک پاریس

یادداشت



شکرگزاری و معماری رقابت پذیری

سهراب دل‌انگیزان

یکی از رفتارهای شایسته‌ای که در بعضی از مردم و کشورها دیده‌ام، شکرگزاری است. پیش از غذا در سر میز غذا برای غذا و آرامشی که دارند شکر می‌کنند. برای چیزهای مثبتی که در زندگی دارند شکر می‌کنند. برای احساس خوبی که دارند شکر می‌کنند. من عاشق این نوع افراد هستم. افرادی که همیشه نیمه‌ی پُر لیوان را می‌بینند. افرادی که در محیط پیچیده و متغیر اطراف، با هزاران اتفاقات مثبت و منفی، همواره حال خودشان را با دیدن اتفاقات خوب و نه نادیده گرفتن بلکه مدیریت اتفاقات بد، با بهره بردن از احساس خوب برگرفته از اتفاقات خوب، به سمت آرامش و صبوری و هدایت پذیری می‌برند.

یکی از کلیپ‌های انگیزشی که در فضای مجازی دیده‌ام، یک سالن ژیمناستیک بود که در آن‌جا یک بچه شش ساله یک استیکر را بعد از دویدن به سمت دیوار، در ارتفاعی بالا روی دیوار چسبانید. بچه دیگر پشت سر او دوید و استیکر خود را بالاتر گذاشت، بچه بعدی همین‌طور. بعد از چندین مرحله رقابت مثبت، استیکر آخری در جایی چسبیده بود که از قبل هیچ‌کدام از بچه‌ها فکر نمی‌کردند که بتوانند در این سطح و حد بالا بپرند. آن چیزی که آن‌ها را وادار کرده بود تا انرژی درونی خود را آزاد کنند، رقابت بود. هر استیکر چسبیده به دیوار هدفی را تعیین می‌کرد که دیگران توانسته بودند بدست آورند و چرا که من نتوانم. لذا وقتی فردی استیکری را روی دیوار می‌دید، کف توانایی خود را آن‌جا تعیین می‌کرد و لذا سعی می‌کرد و البته که می‌توانست بالاتر بپرد. این تعیین کف توانمندی در سطح بالاتر از نفر قبلی، اولی انرژی نهفته درونی هر فرد را آزاد می‌کرد و ثانیاً رقابت بالاتر می‌توانست سطح اهداف قبلی را برای همه ارتقاء دهد. لذا در رقابت به موازات بهبود اهداف، بهبود مدیریت فرد بر خود و انرژی‌های درونی خود را نیز به همراه خواهد داشت. این‌جاست که رقابت مثبت در مدرسه، دانشگاه، آموزش، تولید و همه امور مثبت، توسعه تأیید و تأکید همه خردمندان امور تخصصی بوده و هست. پیش‌رفت و توسعه سطح رفاه جوامع موفق جهان، این‌گونه رقم خورده است.

خوب برای جمع‌بندی باید گفت این پدیده رقابت با پدیده شکرگزاری چه رابطه‌ای داشت؟ این رابطه که فردی همواره دنبال پدیده‌ها و اتفاقات و عناصر مثبت زندگی خود و محیط باشد تا به خاطر آن‌ها شکرگزاری کند، کف اهداف خود را پدیده‌های مثبت تعیین می‌کند و سعی خواهد کرد که برای بهبود آن حوزه‌ها حرکت کند و انرژی‌های درونی خود را آزاد سازد و به‌کارگیرد. وقتی افراد نسبت به بروز پدیده‌های بد رنج می‌برند و این رنج را با زبانی خشن و نیش‌دار بیان می‌کنند، به زمین و زمان پند نگاه می‌کنند و اعتراض دارند، در این شرایط اولاً کف توانایی خود را بسیار ضعیف و ناچیز فرض می‌کنند و ثانیاً انگیزه‌ای برای آشکارسازی و بهره‌برداری از انرژی‌های درونی خود در تغییر شرایط نامطلوب به شرایط خوب و مطلوب احساس نمی‌کنند. این‌جاست که با مشاهده پدیده‌ها و اتفاقات مطلوب، خوب و در سطح مناسب موجود در اکوسیستم قابل کنترل خود، ابتدا کف قابل رقابت مناسبی را پیدا می‌کنیم، دوم این‌که در حوزه‌هایی که استعداد، توانایی، مهارت و یا شایستگی رقابت و اقام شایسته داریم، مسیر پیشرفت را پیدا می‌کنیم و سوم این‌که به جای نادیده گرفتن توان و انرژی خود، انگیزه تغییر وضعیت نامطلوب و بد را به وضعیت مطلوب و خوب بدست خواهیم آورد.

نکته‌ی اخلاقی ۱: هر روز که از خوب بیدار می‌شویم سعی کنیم برای یک اتفاق مطلوب، پدیده‌ی مفید، عنصر و یا داری خوب و با ارزشمان شکرگزاری کنیم.

نکته‌ی اخلاقی ۲: هر روز که از خواب بیدار می‌شویم به خودمان قول بدهیم که حال یک نفر را خوب کنیم. لذا برای اولین نفری که مقابل ما قرار می‌گیرد، سعی کنیم که با یک کلمه محبت آمیز، لبخند، همکاری و یا کار خوب، حالش را خوب کنیم و روز او را به سمت بالابردن انرژی و اقدامات مثبت و مؤثر بهبود ببخشیم.

«دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی کرمانشاه»

آگهی

آگهی دعوت

موسسه‌ی غیرانتفاعی دخترانه شکوفه‌های زندگی به شماره‌ی ثبت ۳ و شناسه‌ی ملی ۱۰۷۴۰۰۰۰۲۶۲ از کلیه شرکا دعوت به‌عمل می‌آورد جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی عادی مورخ ۶ خرداد ۱۴۰۳ در محل قانونی موسسه حضور یابند.

رییس هیئت مدیره

وزیر سابق جهاد در دولت ریسی، محکومیت قضایی برای مدعی اقتدار غذایی!



با اعلام محکومیت جواد ساداتی‌نژاد وزیر سابق جهاد کشاورزی در دولت ابراهیم ریسی به سه سال زندان (به خاطر پرونده چای دیش) خالی از لطف نیست نگاهی بیننازیم به نطق او در اول شهریور ۱۴۰۰ (کمتز از ۳ سال قبل) و در جلسه‌ی رأی اعتماد که در آن ۸ محور اصلی وزارت جهاد کشاورزی در دولت مردمی و انقلابی ابراهیم ریسی را این‌گونه برشمرده بود:

۱. فساد ستیزی
۲. جلوگیری از انحصار
۳. به میدان آوردن تعاونی‌ها
۴. بها دادن به تشکل‌های صنفی
۵. مردمی سازی وزارتخانه
- ۶ جلوگیری از زمین‌خواری
۷. سامانه‌ی سوت‌زنی برای گزارش فساد در

واریت جهاد کشاورزی ۸. صاحب سند کردن تمام زمین‌های کشاورزی و برگزاری جشن آن او دو روز بعد - سوم شهریور ۱۴۰۰- با رأی موافق ۲۵۳ نماینده مجلس انقلابی در مقابل ۲۷ رأی مخالف و ۴ رأی ممتنع وزیر جهاد کشاورزی شد که علاوه بر مسئولیت‌های وزارت کشاورزی سابق و نهاد برچیده شده‌ی جهاد سازندگی بخشی از وظایف وزارت بازرگانی سابق در توزیع اقلام استراتژیک غذایی را هم بر عهده دارد. بعد از رسوایی چای دیش ساداتی‌نژاد در ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ برکنار شد و هم زمان با او دو مقام دیگر (رییس سازمان برنامه و مدیر عامل صندوق نوآوری) هم کنار گذاشته شدند شاید تا توجه‌ها تنها به ساداتی‌نژاد نباشد! در توضیح هم نگفتند ماجرا چیست و تنها گفته شده چک سفید به کسی ندادند و ارزیابی‌ها اقتضا می‌کرده و ترمیم معمول است یا مثل مرئی فوتبال بازیکنان را می‌توانند ترمیمی کنند.

طرفه این که سید جواد ساداتی‌نژاد که قول

مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای لرستان: کارگروه کیفی آموزش‌های مهارتی تخصصی در استان لرستان تشکیل می‌شود



مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای لرستان گفت: «کارگروه کیفی آموزش‌های مهارتی تخصصی نیازهای مهارتی بازار کار در استان تشکیل می‌شود» علی‌پاشایی افزود: «هدف از این طرح کیفیت بخشی و بهینه‌سازی آموزش‌های فنی و مهارتی منطبق با نیازهای شغلی بازار کار و توسعه اشتغال پایدار در استان است».

پاشایی اظهار داشت: «اشتغال‌زایی و ارتقای شاخص‌های بهره‌وری در کسب و کار نیازمند داشتن تخصص، مهارت و صلاحیت حرفه‌ای است، لذا در این راستا طراحی و توسعه‌ی آموزش‌های مهارتی هماهنگ و هم‌سو با نیاز بازار کار و در جهت خلق کسب و کارهای نوین ضرورت دارد، هم‌چنین و به موازات آن، برگزاری دوره‌های بازاموزی و مهارت‌آموزی برای نیروهای شاغل در بنگاه‌های اقتصادی، بهره‌وری در تولید و اشتغال پایدار را در پی خواهد داشت.»

پاشایی افزود: «بخش‌اعظمی از آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای به شکل تقاضا محور بوده که بنا به درخواست و بر اساس نیاز شغلی حوزه‌های اقتصادی در بخش‌های خصوصی و دولتی، بصورت تخصصی به دستگاه‌های مختلف ارائه می‌شود.»

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای لرستان گفت: بر اساس آمار موجود، آموزش‌های تخصصی فنی‌ومهارتی برای ۱۹ گروه هدف در بخش خصوصی و دولتی در سال ۱۴۰۲ فراگیری بیش از ۵۰ هزار نفر را شامل شده است.»

وی در ترسیم چشم‌انداز فعالیت‌های این

پایگاه خبری «آوای سیمره» avayeseymare.ir

اخبار

خبر و گزارش

رییس علوم پزشکی لرستان مطرح کرد؛ انجام ۴۰ هزار مورد نظارت و بازرسی بهداشتی در لرستان



رییس دانشگاه علوم پزشکی لرستان از انجام ۴۰ هزار مورد نظارت و بازرسی بهداشتی در این استان خبر داد. بهرام دلفان، اظهار داشت: «بر اساس اعلام معاون بهداشت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی موفق به کسب رتبه‌ی دوم گزارش سلامت نوروزی و ماه مبارک رمضان امسال در میان دانشگاه‌های هم‌تراز در سطح کشور شد.» وی افزود: «در رتبه‌بندی امسال دانشگاه علوم پزشکی البرز در رتبه نخست و دانشگاه‌های گلستان و یزد در رتبه‌های سوم و چهارم این رتبه‌بندی قرار گرفتند.»

رییس دانشگاه علوم پزشکی لرستان، گفت: «امسال در کشور تعداد ۱۷۲۴۴۶ بازرسی و نظارت بهداشتی به ثبت رسیده که سهم لرستان از این آمار تعداد ۴۰۸۰۳ بازرسی از مراکز توسط

مدیر کل حفاظت منابع طبیعی کشور خبر داد؛ شناسایی ۲ هزار هکتار کانون بحرانی آفت بلوط در لرستان



مدیرکل حفاظت و حمایت سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور گفت: «از ۶ هزار هکتار نقاط بحرانی آلوده به آفت جوانه‌خوار بلوط در لرستان، مبارزه با ۲ هزار هکتار به عنوان کانون بحران در دستور کار قرار دارد.»

حمید رضا قنبری با اشاره به وجود ۴۱ هزار هکتار نقطه آلوده به آفت جوانه‌خوار و برگ خوار بلوط در لرستان، اظهار داشت: «از این مقدار شش هزار هکتار به عنوان نقاط بحرانی به آفت در لرستان شناسایی شده و مبارزه با ۲ هزار هکتار در دستور کار قرار گرفته است.»

وی افزود: «از این مقدار نیز حدود یک هزار هکتار با محللول‌های زیستی یا بیولوژیک سم پاشی شده است.» وی همچنین گفت: «در سال وقوع انقلاب ۱۳۵۷ دانش آموز اول دبستان و ۶ ساله بوده بعد از دیپلم و راه یابی به دانشگاه از دانشگاه ساری لیسانس گرفته و از دانشگاه تربیت مدرس فوق لیسانس و بعد به مسکو رفته و شاید اولین وزیر دارنده مدرک از دانشگاه دولتی مسکو باشد و قرار بوده کار جهانی انجام دهد و تولید محصول را از آن و کیفی و ایرانی کند. این که مدعی مدیریت جهانی باشند و وزیر جهاد آن به اتهام فساد برکنار و به سه سال زندان محکوم شود هم ملنز تلخی است.»

«سرچشمه: تازمانی عصر ایران طرفه این که سید جواد ساداتی‌نژاد که قول مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای لرستان: کارگروه کیفی آموزش‌های مهارتی تخصصی در استان لرستان تشکیل می‌شود اداره‌کل اظهار داشت: «طبق برنامه‌ریزی‌ها در سال ۱۴۰۳ نهمه‌دات آموزشی ما در رسته فنی‌ومهارتی به گروه‌های هدف و بر اساس تقاضای دستگاه‌های اجرایی دولتی و بنگاه‌های خصوصی استان، معادل ۲۵ هزار نفر و برابر با ۴ میلیون و ۳۰۰ نفر ساعت در نظر گرفته شده‌است.»

مدیرکل آموزش فنی و حرفه‌ای در بحث اهمیت نقش تجهیزات در کیفیت آموزش‌های مهارت محور گفت: «ضمن آموزش تئوری، بخش قابل توجهی از استانداردهای آموزش فنی‌وحرفه‌ای به صورت عملی ارائه می‌شود که اجرایی نمودن آن‌ها نیازمند تجهیزات و مواد مصرفی خاص است، بنابراین بر واضح است که به‌روزرسانی این تجهیزات مهم‌ای علم روز می‌تواند پاسخ‌گوی انتظارات بازار کار و توسعه نهضت مهارت آموزی باشد.»

وی مهم‌ترین محدودیت‌های موجود را اشباع بودن برخی دوره‌های آموزشی و عدم به روز بودن تجهیزات آموزشی متناسب با بازار کار عنوان کرد. از دیدگاه پاشایی، موازی کاری برخی دستگاه‌های اجرایی در ارائه برخی خدمات آموزشی بی کیفیت، نبود حمایت‌های مالی، عدم ارائه تسهیلات به افراد دارای گواهی‌نامه‌ی مهارت و کمبود مرپی به دنبال بازنتستگی تعدادی از مریبان، از جمله عواملی است که مقوله‌ی اشتغال‌زایی در استان را با چالش جدی مواجه ساخته است، از این رو رفع و هموار نمودن این مشکلات، همکاری و هماهنگی همه نهادهای مرتبط را می‌طلبد.

وی تصریح کرد: «مهارت‌های فنی و حرفه‌ای شاره‌ار رشد و توسعه اقتصادی است، درنتیجه می‌توان با تربیت نیروی انسانی ماهر، کارآمد و تاثیرگذار بواسطه ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای متناسب با پیشرفت‌های روز دنیا و با بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های موجود، در جهت اشتغال پایدار گام برداشت.»

وی در ترسیم چشم‌انداز فعالیت‌های این

نگاه

محسن دهقان‌نژاد: مالکیت معنوی فولاد متعلق به مردم ازناست

سلیقه‌ای ندارند. امروز به برکت شفافیت نسبی موجود و نظر مثبتی که دستگاه قضایی در راه‌اندازی این‌گونه صنایع دارد افکار عمومی به این نکته اشرف دارند که پرونده‌ای اگر هست ربطی به فولاد سخن‌هایی از احتمال تغییر مالکیت این شرکت به میان آمده بود. در چنین هنگامه‌ای سخن از تغییر مالکیت یعنی پنهان‌های برای تمویق همه‌ی وعده‌های چندساله!! در این میان فراتر از درصد مالکیت بانک یا اشخاص حقیقی توجه به این نکته ضروری است که مالکیت معنوی فولاد متعلق به مردم ازناست که همه‌ی سال‌های سال در انتظار به ثمر نشستن این درخت دیرگل بوده و دیگر حوصله‌ای برای آزمون و خطا و رفتارهای

محسن دهقان‌نژاد: مالکیت معنوی فولاد متعلق به مردم ازناست»

یادداشت



ماجراهای من و سیاست

علی‌گودرزبان

فصل دوم/ بخش ۴۳ انتخابات مرحله‌ی دوم مجلس ششم خرم‌آباد

نوروز ۱۳۷۹ آمد. مردم ایران روی خط رسانه‌ای جهان، سال نو را جشن گرفتند. سال ۷۹ سال سخنان رهبری پایایی بود. در همان آغاز سال، رهبری در پیام نوروزی از کارکرد دولت خاتمی انتقاد کرد و نامی از محمد خاتمی که تا آن روز معمول بود بر زبان جاری نساخت.

روزنامه‌های جناح راست از رسالت تا کیهان پشت سخنان رهبری سنگر گرفتند و دولت را به توپ بستند و از سخنان رهبری در انتقاد از دولت خاتمی تیتراها ساختند!

دولتی که بعدها به‌عنوان موفق‌ترین دولت جمهوری اسلامی در ذهن مردم جا باز کرد، به جای حمایت و پشتیبانی، مورد هجوم رسانه‌های منتقد جناح راست قرار گرفت.

شکل‌گیری مجلس ششم، در دل راستگرایان هراسی عجیب انلخته بود. به همان اندازه که دوم خردادی‌ها شاد بودند و دنیا را به کام خود می‌دیدند و جامعه امیدوار شده بود و دل به شعارهای خاتمی بسته و روی خط رسانه‌های داخلی قرار گرفته بود. به همان اندازه راست‌گرایان در هراس و دلواپس بر باد رفتن دستاوردهای انقلاب و پایمال شدن ارزش‌ها شده بودند.

آغاز سال ۱۳۷۹ است و نوک پیکان اتهام به سمت روزنامه‌های دوم خردادی گرفته شده و بیروزی دوم خردادی‌ها بر جان و تن راستگرایان هراس افکنده است.

اقلیت راستگرایان هم فکر می‌کنند تمام این پیروزی‌ها معلول رسانه‌های قدرتمند دوم خردادی است که غروب‌ها مردم در سراسر کشور برای تهیه‌ی آن‌ها، جلوی کیوسک‌های روزنامه فروشی صف می‌بینند!

واقعبیت این است که نخبران اصلاح‌طلب از راه نشریات خود، با توده‌های مردم، میانه‌ی خوبی برقرار کرده‌اند و کمیته ایکس تصمیم گرفته که هر طور شده باید این میانه به هم زده شود روز ۴ اردی‌بهشت ۱۳۷۹ پیش از برگزاری مرحله‌ی دوم انتخابات، دستگاه قضایی با استناد به قانون اقدامات تامینی مصوب سال ۱۳۳۹ که مربوط به مجرمان سابقه‌دار می‌شد، روزنامه‌ی دوم خردادی را فله‌ای توقیف کرد!

روزنامه‌های صبح امروز، آفتاب امروزه، اخبار اقتصاد، عصر آزادگان، آزاد، بامداد نو، مشارکت، فتح، آریا و نیز هفته‌های ایران فردا و پیام هاجر از جمله رسانه‌هایی بودند که با مجموع بیش از یک میلیون تیراژ به صورت ضربتی توقیف شدند. نتیجه آن بیکار شدن نزدیک به هزار روزنامه‌نگار و کادر فنی و اداری بود.

در لرستان هم، در آستانه‌ی ۱۶ اردی‌بهشت ۱۳۷۹ قرار گرفتیم. خرم‌آباد ۴ تکه شد. اگرچه پشت پرده توافقاتی شده بود؛ اما میدان‌های تبلیغاتی هرکدام از نامزدها، ازدحام بود.

همان‌طوری که در بخش‌های پیشین گفتم هرکدام از نامزدها نقطه‌های قوتی داشتند. موسوی‌نژاد پشتوانه‌ی فرهنگیان خط امامی را داشت که جمعیت بزرگ و با انگیزه‌ای بود. بهاروند تک نامزد راستگرایان بود و این نقطه‌ی قوت خوبی بود. ملک‌آسا فوق‌لیسانس شیمی پلیمر از آمریکا و نامی آشنا برای تمام نیروهای چپ بود و فولادی، جنجالی‌ترین چهره‌ی مجلس پنجم بود که همه‌ی حرفه‌های مردم خرم‌آباد را یک‌جا در تریبون مجلس فریاد کرده بود.

بسیاری باور داشتند که ملک‌آسا تکنوکرات‌ترین نامزد آن دوره بود. هم تعهد داشت و هم تخصص و هم تشکیلات داشت و هم تشریفات مجلس را بلد بود. هرچه ملک‌آسا برجسته می‌شد شناس دو کاندیدایی دیگر کم می‌شد. جنگ بین چهار نامزد نبود، چون یک نماینده پیشاپیش بر اساس یک قرار داد نانوشته، واگذار شده بود.

باید فتیله‌ی ملک‌آسا پایین می‌آمد بعد از آیین آخرین روز تبلیغات، سخن‌رانی تند ملک‌آسا در میدان کیو که بخشی از آن به زبان انگلیسی ادا شد خیلی فضا را تغییر داد بنابراین پانک‌ها قابل پیش‌بینی بود!

صبح روز پنج‌شنبه که تبلیغات انتخاباتی ممنوع بود، شب‌نامه‌ی در سراسر شهر منتشر شده بود، مبنی بر این که حوزه‌ی علمیه‌ی کمالوند خرم‌آباد از جناب ملک‌آسا اعلام حمایت کرده است و این کار در آن فضای دوم خردادی، شلیک به ملک‌آسا بود و بدتر از آن عصبانیت ملک‌آسا و توهین‌های او بود که کار را خراب‌تر کرد و درست مدیریت نشد و کج‌اندیشان به هدف رسیدند!

هیچ‌کدام از نامزدهای خط امامی در موضع‌گیری‌های خود به اندازه‌ی کریم ملک‌آسا شفاف و آشکارا و علمی از جریان دوم خردادی دفاع نکرده بودند اما شب‌نامه روایتی دیگر ساخته بود. انتخابات برگزار شد و نتیجه‌ای که قابل پیش‌بینی بود تحقق پیدا کرد. ادامه در صفحه‌ی ۲



◀ سلمان احمدوند

مثل روز روشن است که هر چه از ارزش پول ملی کاسته شود، از ارزش زندگی و به تبع آن انسان نیز کاسته می‌شود، کرامت آدمی اول قربانی بحران‌های اقتصادی است. چنان‌که هرچه قدرت خرید کاهش یابد و پول ملی در گره‌گشایی از حاجات اولیه‌ی زندگی درمانده باشد، بر شمارِ درماندگان افزوده خواهد شد و هم‌پای طغیان تورم، دامنه‌ی آسیب‌های اجتماعی نیز گسترش می‌یابد و زمین بزهکاری چندان حاصل‌خیز می‌شود که امکان روییدن هر جرم و جنایتی محتمل است و دین هر تصویر جان‌گزایی در آینه‌ی شکسته‌ی جامعه، میسر. در این سیاق آشوب‌ناک دیگر هیچ‌کس در امان نیست؛ زیرا که امنیت در اِغماست و آب شدن برف کرامت در تَموز فقر صحنه‌هایی هولناک را رقم می‌زند؛ چندان که جانِ دردمند با دین آن، از پوشش خود در جهان شرمسار می‌شود و به مردگان رشک می‌بُرد.

از آن میان یکی تصویر است که اکنون دیگر به نماد خویشاندی نپان و آشکار اقتصاد با کرامت انسان تبدیل شده است. این‌که چنان‌چه نیازهای بُنیادی زندگی تأمین نشود زلزله‌ی مهیب فقر قصر باشکوه کرامت را زیر و زبر خواهد کرد و باغ سبز ایمان در آتش حرمان خواهد سوخت و هیچ نه معلوم است که از ویرانه‌های آن چه سر برمی‌آورد!

مردم از آن تصویر، سر فرو بردن هموطنی در سطل زباله است؛ برای یافتن وعده‌ای غذای گرم یا هر چه از این قبیل. منظره‌ای مصیبت‌بار که جان حق‌جو را از رنج می‌آکند و زندگی را با همهٔ زیبایی‌ها و دلبری‌هایش به زایشگاه فلاکت فرو می‌کاهد. مگر نه این‌که در جهان‌گردی ایرانی، جهان کارگاه مهارت‌افزایی است و حضور انسان در آن از بهر پرورده شدن در کورهٔ رنج‌ها برای آبدیدگی و سفر به عالمی دیگر است؟ و نه آیا در کتاب کریم می‌خوانیم: «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهَوِّ يَوْمَئِذٍ الْآخِرَةَ أَعْمَى وَأَصْلُ سَيْلَاتٍ، و هر که در این [دنیا] کور[ان] باشد در آخرت [هم] کور[ان] و گمراه‌تر خواهد بود/ اسراء. ۷۲» مطابق این تلقی زندگی این جهانی فرصتی برای درس‌آموزی و تجربه‌اندوزی است؛ مباد که به «عیب بی‌هنری» مبتلا شویم و خُسران ابدی را نصیب ببریم.

پُر پیداست که اندوختن تجربه‌های رایجی‌بخش و آموزش مهارت‌های معنوی که سنگ بنای زینت جهان مؤمنانه است جُز در سایهٔ برآوردن کمینهٔ نیازهای مادی دست‌یافتنی نیست. بر پایهٔ این آیت انسان‌ساز، زندگی آن جهانی ادامهٔ حیات دنیوی است و هر کس هر آن‌گونه که در این دنیا می‌زند و بر آن سیرت می‌میرد در جهان دیگر نیز زندگانی چندان خواهد بود.

کوردلی و گمراهی رذالی اخلاقی‌اند و گفتن ندارد که رونق بازار اخلاق در رهن تأمین نیازهای اساسی است و گرنه پیامبر رحمت نمی‌فرمود: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كَفْرًا، زودا که اهریمن فقر خانهٔ ایمان را درنوردد؛ چرا که وجود آدمی معناری را ماند با طبقاتی متخلف. که در آن، شرط قد کشیدن و رفتن به طبقه‌ی بالا، ساختن طبقهٔ زیرین است. به این ترتیب مادام که طبقهٔ اول یعنی نیازهای پایه‌ای زندگی ساخته نشود، راهیابی به طبقات بالا ناممکن است و ناکامی در این گذار بسا که به نابودی عمارت وجود بینجامد.

درنگ در ابعاد جامعه‌شناختی و روانشناختی پدیدهٔ داعش از فهم ما در راه برن به لایه‌های ژرف‌تر این بخرنج دستگیری می‌کند. داعش یا آن‌چه دولت عراق و شام (ISIS) خوانده می‌شد سربازان خود را از میان باورمندان و معتقدانی گرد می‌آورد که قربانیان فقر و بی‌برخوردی در خاورمیانه و اروپا بودند. لشکر گرسنگان و تحقیرشدگان به پشتوانهٔ عقیدهٔ «تقدیس کشتن و کشته شدن» و تجهیز به تکنیک، در سودای بازگرداندن جهان به قرن‌های غبارآلود بود. محرومیت آن‌ها در برخورداری از حلقای از فاه و رضایت خاطر، قلب‌هاشان را از نفرت و قساوت آکنده بود. آنان در این راه به جنایتی دست یازیدند که هیچ حیوانی به حیوانی رُوا نمی‌دارد. دفتر داعش به پایان آمده است، ولی تا حکایت فقر، تبعیض، خشونت و بهره‌کشی باقی است امکان تکرار آن نیز هست. ساختن جهان و جامعه‌ای بهتر در گرو تربیت انسان‌هایی است که از طبقه‌های عمارت وجود خویش فراموشانده بالا رفته‌اند. از نان و تن‌پوش و سقف گذشته‌اند و به شادی و شوکوفایی رسیده‌اند.

دوباره به آن تصویر باز می‌گردم: سر فرو بردن یکی هموطن در سطل زباله برای یافتن لقمه‌ای نان... در چشم من این رخداد، آغاز پایان است. آغاز پایان کرامت انسان و تن دادن به پنداری، سخت تباهی‌آور؛ زائد بودن کسانی از میان ما، به حال خود وانهان آن و محکومیت‌شان به هر روز مُردن.

معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان:

دعوت ۹ دانش آموز لرستانی به تیم ملی ۴۵ طرح زمین ورزشی در لرستان افتتاح شد



استان به بهره‌برداری رسیده‌است، توضیح داد: پس از سفر وزیر آموزش و پرورش به استان، شمار زمین‌های چمن ورزشی به ۷۲ مورد رسید.» جمشیدی افزود: «هم‌چنین با اضافه شدن ۱۲ طرح زمین ورزشی در رشته‌های مختلف جمعاً ۸۵ طرح زمین ورزشی در استان داریم که تاکنون ۴۵ طرح از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده‌است.» معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان با اشاره به افتتاح کلاس درس تربیت بدنی، گفت: «نصب کفپوش هشت سالن ورزشی رویاز برای مدراس در نظر گرفته شد که سه مورد آن به بهره‌برداری رسید و مابقی تا پایان تابستان سال‌جاری به بهره‌برداری خواهند رسید.» وی یادآوری کرد: «کانون تندرستی در مجموعه ورزشی شهید صالحی‌راد با رویکرد حرکات اصلاحی و سالن بدن‌سازی نوین نیز در این مجموعه به بهره‌برداری رسیده است.» معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان، افزود: «سالن جلسات شهدای معلم و ایجاد زمینه‌ی مطلوب برای برگزاری کلاس‌های تئوری و نشست‌های خبری با صرف ۴۰۰ میلیون تومان اعتبار نوسازی و تجهیز شد.»

جمشیدی با بیان این‌که زیرساخت‌های ورزشی آموزش و پرورش کم‌تر از ورزش و جوانان نیستند، تصریح کرد: «متأسفانه در گذشته اعتباری برای نگهداری سالن‌های ورزشی تخصیص ندادند اما

مرکز سنجش آموزش فنی و حرفه‌ای شهرستان بروجرد به بهره‌برداری می‌رسد

تخصیصی در چند سال اخیر، علم پیگیری و کم‌توجهی‌های رخ داده، روند تکمیل پروژه به کندی انجام شده و ازین رو اختلال و آشفتگی در حیطه عملکردهای آموزشی فنی‌وحرفه‌ای شهرستان را موجب شده است.» وی با اشاره به اولویت تأمین اعتبار در پروژه‌های با پیشرفت فیزیکی، بالا افزود: «طبق مستندات،



در سفر اول ریاست محترم جمهور به استان مبلغ ۱۲ میلیارد تومان برای ساخت و تکمیل این پروژه اختصاص یافت که متأسفانه تاکنون تنها ۲ میلیارد تومان از اعتبار تعیین شده برای پیش‌رفت پروژه تزییق شد و به موجب این کاستی‌ها، شاهد تعلل و تعویق در روند افتتاح پروژه هستیم.»

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان الشتر-سری (۱۷۰) جمعی

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی املاک متقاضیانی که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی شهرستان الشتر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلامعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک‌ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت میباید به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تبدیل کردیم و امکانات آن را به جنوب شهر و به سالن شهید مصطفی خمینی انتقال دادیم.» معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان در زمینه‌ی ایجاد درآمد پایدار نیز گفت: «برای درآمدزایی پایدار سه باب مغازه در مجموعه ورزشی الغدیر با اعتبار ۶۰۰ میلیون تومان راه‌اندازی شد که ارزش افزوده آن‌ها در حال حاضر ۱۵ میلیارد تومان است که درآمد حاصل از این مغازه‌ها صرف خرید تجهیزات ورزشی شده و به مناطق مختلف اهدا می‌شود.»

جمشیدی تصریح کرد: «در زمینه‌ی مسابقات ورزشی نیز تیم فوتسال فرهنگیان استان قهرمان کشور شد، هم‌چنین در سال ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ تعداد ۹ دانش‌آموز لرستانی در رشته‌های دو و میدانی، بسکتبال، والیبال و تنیس روی میز به تیم ملی دعوت شده‌اند.»

وی با اشاره به این‌که ۴۵۰ میلیون تومان برای سقف سالن کشتی هزینه شده‌است، توضیح داد: «کفپوش سالن‌های بروجرد و نورآباد تعویض و به صورت مشارکتی در حوزه زیرساختی در طول ۳۰ ماه انجام شده است.»

جمشیدی افزود: «گواگاه الغدیر بار دیگر به آموزش و پرورش برگردانده شد و ۳ میلیارد تومان نیز برای تکمیل و تجهیز طبقه دوم آن هزینه شده است.»

وی یادآوری کرد: «۵۶ میلیارد تومان خارج از اعتبارات دولتی جذب کرده‌ایم که در تاریخ این دستگاه بی‌سابقه بوده که این اعتبارات از محل مطالعه ماده ۲۳، اعتبارات در اختیار نمایندگان و درآمد‌های حاصل از فروش نفت و گاز طبیعی بوده است.»

معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان، پیست تارتان برای برگزاری مسابقات دانش‌آموزی را یک نیاز دانست و گفت: «اگر این امکان در اردوگاه آیت‌الله کمالوند خرم‌آباد فراهم شود آموزش و پرورش دیگر وابستگی به ورزش و جوانان نخواهد داشت.»

در ادامه‌ی این نشست، خبرنگاران پرسش‌های مورد نظر خود را در پیوند با ورزش آموزشگاهی مطرح کردند. معاون تربیت بدنی و سلامت آموزش و پرورش لرستان، به این پرسش‌ها پاسخ داد. پایان نشست با بازدید خبرنگاران از سالن فوتسال شهید صالحی‌راد همراه بود. این سالن به‌تازگی تعمیر و بازسازی شده‌است.

در ادامه، مدیرکل آموزش فنی‌وحرفه‌ای، نگاه ویژه معاون اجرایی رییس جمهور و اهتمام خاص دولت را برای تأمین منابع مالی مورد نیاز جهت تکمیل این مجتمع حیاتی را خواستار شد.

در پایان این نشست، منضوری معاون اجرایی رییس‌جمهور ضمن بررسی روند اجرایی پروژه‌ی مرکز سنجش مهارت بروجرد، بر اقدامات لازم از جمله تأمین کامل منابع مالی برای سرعت بخشیدن به تکمیل پروژه و افتتاح آن تا پایان سال جاری، تأکید و دستورالتهای لازم را صادر کرد. گفتنی است تصمیمات اتخاذ شده به عنوان مصوبات سفر ایشان به استان لرستان منظور و مراتب آن از طریق استانداری استان لرستان به اداره‌کل آموزش فنی و حرفه‌ای استان ابلاغ شد.

- ۱- تقاضای «امیر محمد هاشمی» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۹» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۲- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۱۷۲۸،۵۷۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۸» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۳- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۱۹۲۸،۱۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۷۰» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۴- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۱۸۳۲،۷۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۱» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۵- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۱۴۰۵۴،۹۲» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۴» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۶- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۸۱۸۹،۶۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۷» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی»
- ۷- تقاضای «امیر محمد هاشمی» فرزند «علی اکبر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین زراعی» به‌مساحت «۹۶۳۳،۷۹» مترمربع مجزی شده از پلاک شماره «۵۶۲» فرعی از «۵۵/۲» اصلی واقع در بخش «بخش ۱۱ حوزه ثبت ملک الشتر (سلسله)» خروجی از مالکیت مالک اولیه «عبداله هاشمی» شناسه‌ی آگهی: ۱۷۰-۸۵۱۵

فرشاد بازوندنژاد
رییس اداری ثبت اسناد و املاک
شهرستان الشتر



◀ محسن رستمی

دکتر اعظمی وابسته به نسلی بود که آرمان‌خواهی در افکار و باورهایشان موج می‌زد. نسلی که فرزند زمانه‌ی خویش بود و با توجه به همین خصیصه و شرایط موجود آن زمان کنش مبارزاتی خویش را رقم می‌زند. به شدت شیفته‌ی عدالت و جامعه‌ای عاری از هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی بود؛ جامعه‌ای که برابری و آزادی نمودار آن باشد.



برای نیل به آن تمام‌قد مبارزه کردند و حتا فدا شدن راهبر آنان بود. در باورشان همین گذشتن از جان و تمام هستی است که می‌تواند راهی تازه و نیرویی مضاعف به مبارزه پیمیز نماید. در این راه نیز مصم و استوار بودند و تحت هیچ شرایطی در برابر حوادث و تهدیدات و مخاطراتی که جان و هستی‌شان را تهدید می‌کرد به هیچ‌عنوان ترس و تزلزل به خود راه نمی‌دادند.

همین قدرت انتخاب و ایمان به راهی که انتخاب کرده بودند، رمز مبارزه در طول این مسیر سخت و طاقت‌فرسا بود. به‌طور معمول عمر هر فرد مبارزاتی که در برابر ساواک قرار می‌گرفت شش ماه بیش‌تر نبود؛ دکتر هوشنگ متعلق به این نسل بود و برای آرمان‌های خود تا پای جان عهد بسته بود. روند فعالیت‌های جمعی امروزه بیش‌تر بر پایه کنش‌های جمعی و مدنی استوار است. تفاوت ماهوسی در نوع نگرش آن عصر با جامعه‌ی امروز وجود دارد؛ پس باید هر اندیشه و تفکر را در بستر زمانه‌ی خویش به داوری نشست. آنان فرزند زمانه‌ی خویش بودند. ما نمی‌توانیم به عینک خاص امروزی تمام آن‌چه را که در جامعه‌ی پیش از انقلاب ۵۷ به وقوع پیوست، به داوری بنشینیم و ظرف زمان و مقتضیات آن شرایط را ندید.

به هر روی، مسیر مبارزاتی نسل هوشنگ و سرشاخ شدنشان به یک‌باره در برابر نظام پهلوی به‌وقوع نپیوست، دودمان پهلوی وارث «انقلاب مشروطه» بودند که نکته‌ی محوری این انقلاب و پیامد آن‌که مبارزان و آزادی‌خواهان در تقلا‌ی آن بودند مشروط و مقید بودن نهاد قدرت بود که تجلی آن در اراده‌ی شاه وجود داشت شاهی که طبق قانون اساسی مشروطه قدرت او باید مشروط می‌بود.

ولی پهلوی‌ها به الزامات این اصل بنیادین هرگز پایبند نبودند. از طرُق مختلف در امور کشور از جمله نخست‌وزیرهای دست‌نشانده تا مجالس دست‌چین شده و فرمایشی دخالت می‌کردند. قدرت مطلق و غیر پاسخ‌گو ناراضی‌ی و بی‌توجهی به رای و اراده‌ی مردم را پدید آورده بود. همین عوامل و تشدید سطح دخالت‌ها فضایی از افتراق بین نهاد قدرت و مردم و به‌تبع نیروهای الیت

در بستر جامعه پدید آمده بود که این روند آشتی‌ناپذیر بعد از کودتای ۲۸ فروردین در مسیر برگشت‌ناپذیر قرار گرفت و صحنه‌ی سیاسی کشور با شاهی مواجه بود که هرچه بیش‌تر خودکام‌تر و تک‌رتر می‌شد و قضایی دوگانه و آنتاگونیستی (آشتی‌ناپذیر) پدید آمده بود که هیچ راهی به سوی اصلاح وجود نداشت. حتا هشدارهایی که داده شد که باید به قانون عصر مشروطه برگشت و یا خطر مواجه مخالفین در نهایت مسلحانه و زبان گلوله خواهد بود طینی در آن فضا در نزد صاحبان قدرت نداشت و در نهایت شاهی که مخالفان را دعوت به گرفتن پاستور از رفتن کشور می‌کرد خود اعتراف کرد که صدای انقلاب را شنیده‌است! ولی دیگر کسی این اعتراف و ابراز پشیمانی دیرهنگ‌ام و را جدی نگرفت. این اصل اساسی در انقلابات است که انقلاب انتخاب یک‌بشاره مردم نیست بلکه انقلاب به مردم تحمیل می‌شود. همان‌طور که به طنز و کنایه هم گفته می‌شد اعلی‌حضرت خود رهبر انقلاب بودند چون‌که آن‌قدر بر رویه‌های غلط پافشاری کردند که جامعه چاره‌ای جز انقلاب برای او باقی نماند و همین پروسه انسداد و سرکوب بود که نسل دکتر هوشنگ اعظمی را به سمت مبارزات انقلابی کشاند.

ادامه در صفحه‌ی آخر

رویداد

سرپرست آتش‌نشانی خرم‌آباد: ۴ جسد در «هزار دستگاه» خرم‌آباد کشف شد

سرپرست سازمان آتش‌نشانی خرم‌آباد گفت: «چهار جسد در مجتمع مسکونی «هزار دستگاه» این شهر کشف شد.»

سجاد نعمتی، اظهار داشت: «حدود ساعت ۱۰ صبح روز شنبه (۲۳ اردی‌بهشت‌ماه) طی تماس شهروندان در خصوص مرگ چند نفر در یکی از واحدهای مسکونی در مجتمع مسکونی «هزار دستگاه» آتش‌نشانان ایستگاه شماره دو و چهار به همراه رییس ایستگاه شماره چهار آتش‌نشانی به محل حادثه رفتند.»

وی افزود: «مأموران آتش‌نشانی پس از ورود به واحد مسکونی با جسد دو خانم و دو کودک پسر مواجه شدند و پس از ایزن‌سازی و بررسی واحد مسکونی، فوتی‌ها را در درون کاور قرار داده و به آمبولانس آرامستان‌ها تحویل دادند.»

کشف جسد جوان غرق شده در رودخانه گلرود بروجد

رییس جمعیت هلال احمر بروجد از کشف جسد جوان غرق شده در رودخانه گلرود بروجد خبر داد.

محمد کرمی به رسانه‌ها اعلام کرد: «در پی گزارش مردمی با سامانه ۱۲۵ مبنی بر ناپدید شدن یک جوان ۱۹ ساله در رودخانه تیم عملیاتی امداد و نجات به محل حادثه اعزام شد.»

وی افزود: «تیم عملیاتی به دلیل تاریکی هوا و خروشان بودن رودخانه قادر به کشف جسد نشدند.»

کرمی گفت: «امروز تیم عملیاتی مجدد به محل اعزام شد و پس از بررسی موفقیت جست‌وجوی گسترده پیکر بی جان فرد غرق شده را کمتر از ۳۴ پیدا کردند.»

تصادف در پل دختر یک کشته بر جای گذاشت

رییس اورژانس پیش‌بیمارستانی لرستان گفت: «تصادف ۲ دستگاه تریلر در محور پل دختر - اندیمشک منجر به مرگ یک نفر شد.»

محسن آدینه‌وند روز یکشنبه (۲۳ اردی‌بهشت) بیان کرد: «تصادف ۲ دستگاه تریلر در محور پل دختر - اندیمشک منجر به مرگ یک نفر و مصدوم شدن یک سرنشین دیگر شد.»

وی اظهار داشت: «پس از گزارش این تصادف بی‌درنگ ۲ آمبولانس به محل حادثه اعزام شد و مصدوم حادثه به بیمارستان امام خمینی (ره) پلدختر انتقال یافت.»

به گفته‌ی وی علت حادثه را نهادهای مربوطه در دست پیگیری دارند.

حمله‌ی خرس در لرستان یک زخمی به‌جا گذاشت

حمله‌ی یک قلابه خرس و دو توله در منطقه‌ی میوه‌علیا و سفلی واقع در حدفاصل دهستان بسطام و قلاهی شهرستان سلسله یکی از چوپان‌های محلی را به شدت زخمی کرد.

رییس اداره حفاظت محیط زیست سلسله روز یکشنبه (۲۳ اردی‌بهشت) با تایید این خبر، اظهار داشت: «این اتفاق بیستم اردی‌بهشت جاری در یک منطقه‌ی آزاد واقع در نزدیکی منطقه حفاظت شده رخ داده و گزارش آن امروز دریافت شده است.»

علیرضا رحیمی با اشاره به این‌که منطقه‌ی مورد نظر در گذشته زیستگاه حیوانات وحشی از جمله خرس بوده است، افزود: «اکنون نیز تردد این جانوران در منطقه غیرعادی نیست.»

وی تصریح کرد: «بنا بر اذعان چوپان‌های منطقه، این خرس ۲ قلابه توله به همراه دارد و قرار است فردا تصاویری را که با گوشی تلفن همراه از این حیوان ضبط کرده‌اند در اختیار محیط زیست قرار دهند.»

رحیمی گفت: «چوپان آسیب دیده را بر اساس قانون، بیمارستان شهدای عشاری خرم‌آباد با حال عمومی خوب بستری است اما چند عمل پیوند به‌ویژه در ناحیه رگ‌های دست نیاز دارد که شواهد زخم‌های وی، حمله خرس را تایید می‌کند.»

وی با تاکید بر این‌که اداره حفاظت محیط زیست حقوق فرد آسیب‌دیده را بر اساس قانون، رعایت و پرداخت می‌کند ادامه داد: «با توجه به حضور ماهیگیران و شکارچیان در این منطقه، گشت‌های حفاظتی همیشه حضور دارند که کنونی برای مشاهده خرس افزایش یافته‌اند.»

وی بیان کرد: «منطقه مورد نظر آزاد است و دوربین‌ها و پالایش بر خط (آنلاین) ندارد اما دوربین‌های تله‌ای در این محدوده برای تصویر برداری نصب شده است.»

به گفته‌ی رحیمی یکی از چوپانان که تصاویر خرس را در اختیار دارد تا کنون به خاطر حفظ جان حیوان، حاضر به اشتراک این فیلم نشده است.

آیین بزرگ‌داشت روز فردوسی در دانشگاه لرستان برگزار شد

دکتر محمدرضا روزبه:

خرد انتقادی نیاز امروز جامعه‌ی ماست شاه‌نامه بر تارک حماسه‌سرایی جهان می‌درخشد



عکس: سپهر



عکس: سپهر



عکس: سپهر

به هم پیوند می‌خورند سبب چنین دلوری‌هایی می‌شود.»

استاد دانشگاه لرستان با بیان این‌که فلسفه‌ستیزی فردوسی موجب تناقضاتی در دیدگاه‌های او می‌شود، توضیح داد: «در کشته شدن افراسیاب به دست کیخسرو می‌گویند به فرجام بر بدکشن بد رسد! دنیا دار مکافات است یعنی جهان نظام‌مند است؛ تخلقی در وعده‌ی حق نیست، دقیقاً بدکشن به مکافات عملش می‌رسد اما در قتل سیاوش به دست افراسیاب می‌گوید کار جهان وارونه است و نظم و نسقی منطقی ندارد.»

وی گفت: «این آمیختگی منابع شناختی شاه‌نامه باعث نوعی ناهماهنگی شناختی در نظام فکری فردوسی می‌شود. برای نمونه در پایان پانجاهی شاپور فردوسی می‌گوید: دنبال راز جهان باش تا رنجور نشوی ...»

عضو هیئت علمی دانشگاه لرستان بیان داشت: «آن‌چه گفته شد نگاهی است و این سلسله مباحث می‌تواند آغازگاهی بر نوعی دید تازه و خواش تازه باشد.»

وی افزود: «گر ما متون کهن را بر طاقچه‌ی قداست بگذاریم بدون هیچ نگاه تازه‌ی، منجمد و منزوی می‌شوند و کارکرد اجتماعی‌شان را در متن زندگی از دست می‌دهند.»

به اعتقاد دکتر روزبه، ملولوی را باید به نقد کشید، حافظ را باید در معرض نگاه انتقادی قرار داد، بهیچ‌ی را باید بازخوانی کرد. از متون کهن نباید آموخت و چیزهایی را نباید هم آموخت...

وی ادامه داد: «متون کهن تا حدود زیادی متأثر از گفتمان‌های مسلط عصر خودشان بوده‌اند تفکر شعوبه‌ی، عصر استبداد فئودالی این گفتمان‌ها و این نظامات اجتماعی بر پیش‌شاعران و نویسندگان ما تاثیر گذاشته اند و گاه ناهماهنگی شناختی در کام و سخن آن‌ها به وجود آورده. وظیفه‌ی منتقد امروز دانشجوی امروز پژوهشگر امروز این است که خط شکنی کند به سمت جهات انتقادی برود.»

استاد دانشگاه لرستان در پایان تاکید کرد: «البته این‌های گفته شد هیچ چیزی از ارزش‌های غایی شاه‌نامه به عنوان یک میراث سرگت ادبی و هنری و فرهنگی کم نمی‌کند. با تمام این‌ها شاه‌نامه بر تارک حماسه‌سرایی جهان و بر تارک فرهنگ ما ایرانیان می‌درخشد و همواره این‌گونه خواهد بود.»

دکتر کامین عالی‌پور:

شاه‌نامه جای چندوچون و پژوهش فراوان دارد

کامین عالی‌پور، مدرس دانشگاه، سخن‌ران دیگر بزرگ‌داشت فردوسی، گفت: «شاه‌نامه جای چندوچون، کاوش و پژوهش فراوان دارد.»

عالی‌پور افزود: «سال‌های زیادی است که نشست‌هایی به‌عنوان شاه‌نامه‌پژوهی با دوستان علاقه‌مند به صورت محفلی در خانه‌ی دوستان برگزار شده و به‌عنوان مسئول انجمن شاه‌نامه پژوهان استان لرستان در اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان این پیش‌شاه‌نامه‌پژوهی را آغاز کرده‌ام.»

وی ادامه داد: «فردوسی دو منبع اصلی اندیشگی دارد: یکی تفکر ایران باستان و دیگری سنت اسلامی؛ در این میان گفتمان‌ها و خرده‌گفتمان‌ها به آن‌ها اضافه می‌شوند و یک نظام فکری را به وجود می‌آورد که می‌توانیم بگوییم خردی که شاه‌نامه دیرپاراش صحبت می‌کند یکی حکمت دینی است و دیگری حکمت عامه. این دو وقتی

ادامه در صفحه‌ی آخر

ادامه از صفحه‌ی ۴

می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۲/۰۲/۲۵) نوبت دوم: (۱۴۰۲/۰۲/۰۹)

۱- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۲۱۲،۰۶» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۳» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۲- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۹۰،۷۲۲» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۷» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۳- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۵۲۷،۷۷» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۸» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۴- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۸۱۳۰،۵» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۲» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۵- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۱۸۳،۲۴» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۵» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۶- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۱۸۳،۲۴» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۵» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

۷- تقاضای «محمد رضا نیکخواه» فرزند «بابا» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی» به‌مساحت «۱۱۸۳،۲۴» مترمربع مجزی شده پلاک شماره «۷۵» فرعی مفروز از «۳» فرعی از «۵۱» اصلی واقع در بخش «۲»

یادداشت



عرصه‌ی سیاست تنگ است یا رجال سیاسی نیستند؟

تعماسب کرمی چکنی

مرحله‌ی دوم انتخابات دوازدهمین دوره‌ی مجلس شورای اسلامی در حوزه‌ی انتخابیه‌ی خرم‌آباد و چکنی با پیروزی آقایان هادی هاشمی‌نیا و رضا سپهوند پایان یافت.

برگزاری جشن پیروزی با حضور خیل طرفداران در حالی جریان دارد که عمده‌ی شعائر و کلمات و جملات مورد مصرف در فضای گفتمان حضوری و مجازی و مکتوبات رنگ و بوی طایفاهی می‌دهند؛ اما در عین حال پرشور و با هیجان در حال انجام است.

طرف‌های مقابل که بازنده‌ی رقابت هستند با داشتن سابقه‌ی حضور در مجالس ادوار گذشته، طعم پیروزی در این میدان را چشیده‌اند؛ تجربه‌ی برگزاری چنین جشنی و سروری را دارند و برای بار چندم است که تن به شکست می‌دهند.

اما زودگذر بودن دوره‌ی شادی و نشاط ناشی از پیروزی در انتخابات حکایتی است آشنا و دوری است تسلسل که هر چهار سال یک بار اتفاق می‌افتد، جشن پیروزی امروز با همه حالات و شور و هیجان که فضای اطراف تیم‌های موفق رایحه‌ی عدم موفقیت و مغموم بودن درچهار سال آینده هم به مشام خیلی‌ها می‌رسد.

این پیروزی‌های منتهی به یک دوره‌ی چهار ساله تقریباً جامه‌ای است که بر قامت اکثریت نمایندگان حوزه‌ی انتخابیه خرم‌آباد و چکنی دوخته‌اند. علت را می‌توان در چند بُعد و زاویه بر رسی کرد که برای ورود به هر زاویه باید آلت پرشی آیا را به‌کار گرفت.

آیا عرصه‌ی سیاست کشور در محدوده‌ی صلاحیت مجلس شورای اسلامی محدود است که نمایندگان نمی‌توانند انتظارات عموم مردم حوزه و رای‌دهندگان را بر آورده کنند و طی چهار سال به این باور می‌رسند که راهبایی برای بار دوم به مجلس برایشان میسر نمی‌شود؟

آیا راه‌یافتگان هر دوره از انتخابات در این حوزه‌ی انتخابیه رجال سیاسی ورزیده و کار آزموده نیستند و با ورود به مجلس و تجربه‌ی عملی به ناکارآمدی خود آگاه می‌شوند که از شمار تا عمل فاصله‌ی طولانی است و خود و نزدیکان را مجاب به شکست در دور بعدی می‌کنند و به یک بار جشن پیروزی بسنده کرده و نماز شکر به‌جای می‌آورند؟

آیا انتظارات عمومی مردم حوزه‌ی انتخابیه و رای‌دهندگان و به‌ویژه یاران و فعالان و حامیان بیش از اندازه صلاحیت و توان نماینده‌ی مجلس است که طی چهار سال متاستل شده و اطراف نماینده محبوب دیروز را خالی کرده و به عناد با وی می‌پردازند و گزینته‌ی نماینده یک‌بار مصرف را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند؟

و آیا‌های دیگری هم هست... و آن این‌که نمایندگان این حوزه انتخابیه به محض ورود به مجلس عمده وعده و وعیدها را به دست فراموشی سپرده و سرگرم تندرک زندگی بهتری برای آتیه‌ی خود و خانواده می‌شوند و روابطشان را با مردم و حامیان به مقدار باری به هرجهت تقلیل داده و خود را آماده شکست در رقابت‌های ادوار بعدی می‌کنند؟

به هر صورت شور و هیجان و سرمستی جشن امروز جماعت حامی منتخبین باید مواظب فرادبی باشند که گروهی دیگر در این قدمگاه جای می‌گیرند و دور تسلسل بر قرار خواهد شد.

خبر

سلسله شهر ستان پیشتان لرستان در حذف مجوزهای کاغذی

مدیرکل امور اقتصادی و دارایی لرستان گفت: «سلسله با تبدیل یک‌هزار و ۲۸۵ مجوز کاغذی به الکترونیک، شهرستان پیشتان استان در حذف مجوزهای کاغذی است.»

علی محمدی روز یکشنبه (۲۳ اردی‌بهشت) اظهار کرد: «در شهرستان سلسله یک‌هزار و ۹۷۷ پروانه کسب قدیمی، معادل ۶۵ درصد مجوزهای کاغذی به الکترونیک تبدیل شده است.»

وی افزود: «هم‌چنین شهرستان پلدختر با تبدیل یک‌هزار و ۷۷۶ فقره از مجموع سه هزار و ۲۶۲ مجوز کاغذی و شهرستان بروجد با تبدیل پنج هزار و ۲۱۴ مجوز از مجموع ۹ هزار و ۷۳۳ مجوز کاغذی و ثبت عملکرد ۵۳ درصدی توانسته اند به ترتیب رتبه‌های دوم و سوم استان را به خود اختصاص دهند.»

به گفته‌ی محمدی در شهرستان‌های خرم‌آباد و چکنی در مجموع ۱۷ هزار و ۲۶۸ پروانه کسب قدیمی وجود دارد که تاکنون هشت هزار و چهار مورد و در شهرستان‌های کوهدشت و رومشکان نیز از مجموع هفت هزار و ۳۰۶ پروانه کسب قدیمی، سه هزار و ۱۷۹ مجوز به الکترونیک تبدیل شده‌است.

یوسف خبیری

رییس اداری ثبت اسناد و املاک شهرستان ازنا

فانتزی راه آهن

صادق سیفی

۱- این راه آهن هم برای ما شده‌است قوز بالا قوز با اعتبارهای کله‌گنجشکی که مثل بند ثنبان کوتاه تا ولش می‌کنند درمی‌روند؟ نه این که ما مشکل کم داشتیم این یکی هم سوار شده روی بقیه؛ از بندر خشک، منطقه‌ی ویژه اقتصادی و پارک سافاری بگیر که سر زا رفقت تا مشکل فضاهای تاریخی و گردشگری، کارخانه‌های تعطیل شده، سد حیاتی مخمل کوه، پادگان ۷۰، تصفیه‌خانه، کمربندی‌های شرقی و غربی و همین‌طور بگیر و برو جلو...

دهها سال وزارت مربوطه مطالبه‌ی این پروژه‌ی ملی را از این گوش گرفت و از گوش دیگر درکرد با وصف این، ما این قدر راه‌آهن، راه‌آهن کردیم که به تعبیر آن مقام پیشین: نزدیک بود راه‌آهن نامان پاره شود در نتیجه، وزارت راه از بیخ نام وزارت‌خانه را عوض کرد تا از شر سماجت‌های ما راحت شود و در نهایت، وقتی هم دل درآورد تا قدمی بردارد، کار، پشت سر هم خورد به خنسی تامین اعتبار! قدیمی‌ها می‌گفتند تا سه نشه بازی نشه ولی ما نمی‌دانیم تامین اعتبار این پروژه تا چند تا بازی ادامه می‌یابد.

۲- حالا ما یک طرف قضیه را می‌بینیم در حالی که طرف دیگر هم برای خودش حق و حقوقی دارد. به خودمان نگاه نکنیم که همه‌ی حد و مرزهای مطالعه‌گری را رد کرده‌ایم ولی نمی‌دانیم دستگاه‌های مسئول هم هزار و یک‌چور کار اولویت‌دار برای خودش دارند!

این که ما به طرز نگران کننده‌ی پوستان کلفت است و دست‌بردار نیستیم دلیل نمی‌شود تلاش‌های مسئولان را زیر سوال ببریم و با سوءاستفاده از نجابت آن‌ها، وقت پرازشان را با خواسته‌های صدمی یک غاز تلف کنیم.

خدا از سر تقصیرات آدم‌های نمک‌نشناس نگذرد که نمی‌دانند مسئولان دارند کار خودشان را می‌کنند اما ما نمی‌دانیم اجرای این پروژه مثل فعل لازم است که احتیاج به مفعول ندارد. تازه، مگر ایجاد ما هم راه‌آهن داشتند که به آن خوبی در کمال عافیت زندگی می‌کردند.

۳- پلانست، خدا نیکد کند کاری توی این دیار دچار نخسی شود البته برای رفع نخسی در قدیم روزهای سیزده‌به‌در مردم به بیابان‌ها می‌رفتند و سبزه گره می‌زدند اما حالا از بدشانسی، فرصت طلایی سیزده‌به‌در امسال از دستمان دررفت و باید صبر کنیم تا سیزده سال آینده که دسته‌جمعی برویم برای باز شدن بخت این راه‌آهن سبزه گره بزینیم. خدا را چه دیده‌ای شاید کسی پیدا شد و زنگوله را بر گردن این گربه‌ی بی‌صاحب مانده انداخت و قال قضیه را کند و ...

۴- خودمانیم خیلی شلوغش کرده‌ایم، به قول آن بنده‌ی خدا « آه خدای من! چقدر خوشمان می آید وراجی کنیم!؟

خبر

دستور رییس دستگاه قضایی لرستان برای تعطیلی مشاوران املاک غیرمجاز

رییس کل دادگستری لرستان با اشاره به تعرض به حریم شهرها و قطعه‌قطعه‌شدن زمین‌های کشاورزی از سوی مشاوران املاک غیرمجاز، بر لزوم تعطیلی و برخورد با آن‌ها تأکید کرد.

حجت‌الاسلام سعید شهواری در شورای حفظ حقوق بیت‌المال در راستای حراست از بیت‌المال، اظهار داشت: «بیت‌المال، به ذخایر و اندوخته‌های حکومت اسلامی و اموال عمومی متعلق به همه مردم گفته می‌شود که در مصالح مردم صرف می‌شود و نظارت بر آن برای بهره‌برداری عادلانه به نفع همه مردم در اختیار نظام و دولت است و دستگاه‌های مختلف بر حسب نوع مسئولیت خود نظارت و مدیریت بخشی از آن را بر عهده دارند و در یک تعامل مستمر و هم‌افزا باید برای حفظ بیت‌المال کوشش کرده و از آن حفاظت و صیانت کنند ضمن این‌که این اموال باید برای نسل‌های بعدی هم حفظ شود و جلوی تملد و تجاوز به آن مطابق قانون گرفته یا متخلف برخورد و با سهل‌انگاری در حفاظت آن نیز برخورد مناسب صورت گیرد نحوه عمل هم باید به نحوی باشد که کسی جرأت تعرض به بیت‌المال و کوتاهی در نگهداری آن را نداشته باشد»

وی بیان کرد: «لازم است مواردی که دستگاه‌های مختلف از باب حفظ حقوق بیت‌المال با آن مواجه هستند احصا شده و به دبیرخانه شورای حفظ حقوق بیت‌المال اعلام شود تا در جلسات آتی این شورا مطرح و در ارتباط با آن‌ها تصمیم‌های کاربردی اتخاذ شود».

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان در تشریح اقدامات یک‌سال گذشته‌ی این جمعیت در حوزه‌ی امداد و نجات، اظهار کرد: «امداد و نجات از کارهای اساسی و مهمی است که وظیفه‌ی سازمانی جمعیت هلال احمر به‌شمار می‌رود.»

به گزارش **آوای سیمره**، محمد قدمی روز سه‌شنبه (هیجدهم اردی‌بهشت‌ماه) در نشست خبری با رسانه‌ها که به مناسبت روز صلیب سرخ و آغاز هفته‌ی هلال احمر برگزار شد، گفت: «شعار امسال ما "با مشارکت شما سربلندیم" و این برای هلال احمر افتخاری است.»

قدمی با اشاره به این‌که هدف هلال احمر تسکین آلام و دردهای بشری است، اظهار داشت: «بیش از سه میلیارد تومان از محل تملک دارایی‌ها دریافت کردیم.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان گفت: «هلال احمر یک سازمان امدادگر است، پروژه‌ی نساجی دلفان بیش از ۵۰۰ نفر اشتغال‌زایی دارد.»

وی با بیان این‌که هلال احمر وظایف زیادی دارد اما برخی وظایف بر عهده‌ی این سازمان نیست، گفت: «انتظار داریم در راستای وظایف‌مان بازخواست شویم.»

محمد قدمی در ادامه گفت: «در سطح استان لرستان ۱۹ پایگاه ثابت امدادی، شش پایگاه موقت داریم که با استقرار تیم واکنش سریع، ۳۶ مرکز پاسخ‌گوی عملیات‌های امدادی هستند.»

وی با اشاره به این‌که از سال گذشته تا کنون ۶۳۴ عملیات امدادی را پاسخ دادیم، تصریح کرد: «مهم‌ترین عملیات سال گذشته نجات ۹ کوهنورد بود که در حادثه‌ی اشتراک‌کوه گرفتار شده بودند.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان افزود: «این عملیات با هماهنگی بین همه‌ی بخش‌های امدادی استان انجام شد که توانستیم یکی بهترین عملیات‌های امدادی را رقم بزینیم.»

قدمی به حادثه‌ی تلخ تصادف اتوبوس در آزادراه نیز اشاره کرد و گفت: «همکاران ما در آن شب به حدی سرگرم کار بودند که متوجه یکی از همکاران‌مان که درون آن اتوبوس فوت کرده بود، نشده بودند.»

وی افزود: «برای ما هنگام بحران و حادثه، جنسیت، نژاد، غریبه و آشنا و ... تفاوت ندارد بلکه تنها جان انسان‌ها مهم است.»

محمد قدمی بیان کرد: «۱۵۰۰ نفر امدادگر مجرب در شهرستان‌های استان داریم که تجربه‌ی کافی دارند و در قالب تیم‌های پنج‌نفره ساماندهی شده‌اند و به مقتضات نیازمان از آن‌ها استفاده می‌کنیم.»

وی به عملکرد حوزه‌ی آموزش جمعیت هلال احمر نیز اشاره کرد و گفت: «ما متولی آموزش‌های امدادی و همگانی هستیم، در

آگهی

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی شهرستان دورود (سری ۹۳ جمعی)

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی، املاک متقاضیانی که در هیئت موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی دورود مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلاعارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل در دو نوبت آگهی می‌گردد. در صورتی که هرکس نسبت به صدور سند مالکیت بنام متقاضیان اعتراض داشته باشد می‌تواند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتبا به اداره ثبت اسناد و املاک محل تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع محترم قضایی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به اداره ثبت محل تحویل نماید، در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی حاصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می‌نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: (۱۴۰۲/۰۲/۲۵)

تاریخ انتشار نوبت دوم: (۱۴۰۲/۰۲/۰۹)

۱- تقاضای «عباس عزیزی» فرزند «محمد حسین» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۱۱۴۰۰۱» متر مربع تحت پلاک شماره «۶۹۵» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه

«وراث حسن آسترکی به اسامی مینا و مهری و رعنا همگی آسترکی»
۲- تقاضای «علی کرنکور» فرزند «رضا» نسبت به «شش‌دانگ یک باب ساختمان» به‌مساحت «۱۵۱،۶۸» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۹۰۳» فرعی از «۱۱۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جواد خدائی»
۳- تقاضای «هوشنگ قنبری» فرزند «علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۲۵۲،۱۳۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۴» فرعی از «۹۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «نصرت اله همراز»
۴- تقاضای «صدید عبدالله رضائی ارشد» فرزند «علی» نسبت به «شش‌دانگ یک باب ساختمان» به‌مساحت «۱۱۷،۴۴» مترمربع تحت پلاک شماره «۳۷۹۳» فرعی از «۹۳» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث محمد هاشم دالوند احدی از ورثه زبیدی دالوند»
۵- تقاضای «کاظم پهلواند» فرزند «جهانگیر» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۷۵۹،۱۷۷» مترمربع تحت پلاک شماره «۴۹» فرعی از «۷۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «جهانگیر پهلواند فرزند محمد»
۶- تقاضای «امین زلفی» فرزند «عزت‌اله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۵۹،۳۷۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۶۶» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث حمید بساک احدی از ورثه غلام

گزارش، گفت‌وگو، طنز

گزارش خبری

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان:

امداد و نجات از کارهای اساسی و مهم هلال احمر است/ پاسخ‌گویی به ۶۷۴ عملیات امدادی / جذب ۲۱۵ نفر در جمعیت هلال احمر لرستان



سال گذشته نزدیک به ۶۲ هزار نفر را در قالب یک هزار و ۲۵۶ دوره آموزش‌های همگانی و تخصصی دادیم.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان افزود: «۱۹۰ خانه هلال در سطح استان داریم، آموزش‌ها را به روستاها نیز کشانده‌ایم تا بتوانند هنگام بحران همکاری خوبی با ما داشته باشند.» به گفته‌ی وی کل اعضایی که تا کنون به صورت خودجوش در جمعیت هلال‌احمر ثبت نام کرده‌اند و عضو هلال احمراند هشتاد هزار نفر هستند.

قدمی گفت: «۲۷ میلیارد تومان از کمک‌های نقدی و غیرنقدی این اعضا استفاده و در بین نیازمندان توزیع کردیم.»

وی با بیان این‌که ۷۲ پروژه‌ی محرومیت‌زدایی در سطح استان انجام شده‌است، اظهار داشت: «انتظار داریم رسانه‌ها با اطلاع‌رسانی و آگهی‌بخشی خیران را در بحث ساخت پایگاه‌هایی امدادی، تجهیزات پزشکی و... تشویق کنند تا جمعیت هلال احمر بتواند از عهده‌ی خدمات رایگانی که به مردم ارایه می‌دهد، بربیاید.»

او به کارهای حوزه‌ی معاونت درمان و توان‌بخشی در طول یک سال گذشته نیز اشاره‌ی تکرار کرد و گفت: «داروخانه‌ی هلال احمر صاحب یکی از مطالبات به حق این استان بود که به یاری خدا و پیگیری‌های قیل از من، اکنون دایر است و بیش از هزار قلم دارو در سطح استان توزیع می‌کند.»

قدمی با بیان این‌که تیم‌های درمانی را در سطح استان فعال کردیم، گفت: «واکسیناسیون بیش از ۱۳۰۰ نفر از حجاج را انجام دادیم.» وی افزود: «مجزور تاسیس مرکز فیزیوتراپی شهرستان دورود را گرفتیم. هم‌چنین فیزیوتراپی شهرستان بروجرذ تقویت شد و دندان‌پزشکی را در بروجرذ فعال کردیم.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان گفت: «بساک»
۷- تقاضای «کرمی الیاسی» فرزند «قندعلی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی‌زار» به‌مساحت «۱۶۹۱۶۳۱» مترمربع تحت پلاک شماره «۲۱۱» فرعی از «۹۷» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «کرمی الیاسی فرزند قندعلی»
۸ - تقاضای «علیرضا حیدری» فرزند «مهر علی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۱۶۸۸۸۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۷» فرعی از «۱۱۰» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «حسن سالاروند فرزند رفیع»
۹- تقاضای «گوهر کلهر» فرزند «یداله» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه زمین مزروعی آبی‌زار» به‌مساحت «۶۵۳۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۰۶» فرعی از «۹۹» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سلطان مراد تاج بخش از ورثه امیرحسین تاج بخش»
۱۰- تقاضای «صفرعلی آسترکی» فرزند «محمد نبی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۳۵۹،۳۷۰» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۶۶» فرعی از «۱۰۶» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث محمد هاشم دالوند احدی از ورثه محمد نبی آسترکی»

شناسه آگهی: ۱۷۱۴۹۴۵

مصطفی امان‌اله بهاروند
رییس اداره‌ی ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود

داریم که از نیروهای جمعیت هلال‌احمر در راستای اشتغال و جذب آن‌ها اقدام کنیم.»
قدمی گفت: «در این دولت تا کنون ۲۱۵ نفر را جذب جمعیت کردیم، در حالی قبلا کل پرسنل ما ۱۷۵ نفر بودند. این افراد از نجات‌گران با تجربه هلال احمر هستند. حتا به یک نفر بیرون از هلال احمر اجازه ورود ندادیم چون اولویت با داوطلبان خودمان بوده است.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان گفت: «با توجه به عنایت ویژه مدیران ارشد هلال احمر کشور، پروژه‌ی خوبی برای استان تعریف شده به نام نساجی هلال دلفان.»

وی افزود: «فاز اول این پروژه در سوله‌هایی راه‌اندازی شده، ۱۵ هکتار زمین از طریق منابع طبیعی واگذار شده که آماده‌ی کلنگ‌زنی این پروژه هستیم.»

قدمی با بیان این‌که این پروژه بیش از ۵۰۰ نفر اشتغال‌زایی دارد، گفت: «البته دنبال پروژه‌های دیگر هستیم مثل سر‌وسازی شهرستان دورود. هم‌چنین مرکز تولید و کاشت گیاهان دارویی لرستان در زاغه در سفر رییس سازمان جمعیت هلال احمر قراردادش عملی می‌شود.»

وی تأکید کرد: «همه‌ی تلاش ما این است که نونهالان، نوجوانان، جوانان، دانش‌آموزان و... داریم.»
قدمی، برگزاری اردوهای مذهبی، تفریحی و فرهنگی در دو حوزه‌ی جوانان و داوطلبان را از دیگر اقدامات جمعیت هلال احمر دانست و اظهار داشت: «۱۷۰۰ نفر را به مراکز زیارتی اعزام کردیم.»

وی تأکید کرد: «ما در همه‌ی حوزه‌های جمعیت هلال احمر به صورت مکتوب دارای رتبه‌ی کشوری هستیم.»

محمد قدمی در تشریح حوزه‌ی پشتیبانی و مالی جمعیت هلال احمر لرستان اظهار کرد: «بهرغم این‌که برنامه‌ی دولت این است که از پروژه‌های نیمه‌تمام و یا پروژه‌های بیش از ۷۹ درصد حمایت کند و به پایان برساند اما پروژه‌های مختلفی را برای جمعیت هلال احمر لرستان تعریف کردیم.»

قدمی افزود: «تعریف کردن پروژه‌های جدید کار بسیار سختی است، باید کمیسیون ماده ۳۳ را بگیریم با این حال ۴ پروژه را تعریف کردیم.» وی با اشاره به این‌که در نظر داریم فضای اداری جمعیت هلال احمر را ارتقا بدیم، تصریح کرد: «بیش از سه میلیارد تومان را از محل تملک دارایی‌های استان برای کار تعمیرات و بازسازی پایگاه‌های امدادی دریافت کردیم.»

مدیرعامل جمعیت هلال احمر لرستان تأکید کرد: «ما یک سازمان امدادی هستیم و متولی اشتغال استان نیستیم.»
وی افزود: «وظیفه‌ی ما این است که در کنار دستگاه‌های امدادی وظیفه‌ی خود را به‌خوبی انجام دهیم ولی این احساس و وظیفه را نیز

یادداشت اجتماعی

نمادهای زاگرس را دربیابیم زغال‌فروشی پدیده‌ی قابل تامل!!



زهرا نجاتی

جنگل‌های زاگرس بخشی از ریه‌های سرزمین آبی و اجزای ما و به‌ویژه غرب ایران بوده و هستند. این جنگل‌ها به‌عنوان سرمایه‌های طبیعی نه تنها متعلق به هم اکنون ما بلکه متعلق به نسل‌های آینده ست و لذا بار مسئولیت‌پذیری همه شهروندان و به‌ویژه نهادهای ذی‌ربط را بیش‌تر و بیش‌تر می‌کند.

هم‌چنین در اهمیت درختان و جنگل‌ها این گفته‌ی طلایی پیامبر مهربانی و رحمت را آویزه‌ی گوش‌مان دهیم که فرمودند: «نزد من شکستن شاخه‌ای ازدرخت همانند شکستن بال فرشتگان است»

۱۰- تقاضای «صفرعلی آسترکی» فرزند «محمد نبی» نسبت به «شش‌دانگ یک قطعه باغ» به‌مساحت «۱۹۱۱،۱۶» مترمربع تحت پلاک شماره «۱۱۷۵» فرعی از «۱۰۴» اصلی واقع در بخش «۴» خروجی از مالکیت مالک اولیه «سهم الارث صفر علی آسترکی از ورثه محمد نبی آسترکی»

شناسه آگهی: ۱۷۱۴۹۴۵

مصطفی امان‌اله بهاروند
رییس اداره‌ی ثبت اسناد و املاک شهرستان دورود

طنز



حاجیعلی شرفی

نقدی و سیاسی از بزرگ‌ارکنندگان روز نکوداشت شهر خرم‌آباد

می‌توان از مسئولان دست‌اندر کار برگزاری روز نکوداشت خرم‌آباد به‌ویژه شهرداری و شورای شهر خرم‌آباد به‌خاطر اهمیت دادن به این موضوع و مطالبه‌ی مردم چه در برج میلان آزادی تهران و چه در روز ۲۳ اردی‌بهشت ۱۴۰۲ در خرم‌آباد که به مناسبت ۲۰ اردی‌بهشت روز نکوداشت خرم‌آباد است، سپاس و قدردانی داشت. هرچند ناکارآمدی مدیریت شهری را در ارتباط با مشکلات فراوان در این مرکز استان لرستان نمی‌توان از افکار عمومی با برگزاری این چنین آیین‌هایی نادیده گرفت. و اما می‌توان از ضعف مدیریت در برگزاری این آیین، دست‌کم نکاتی را برشمرد ازجمله:

۱- پخش آهنگ «دایه دایه وقت جنگه» در برج میلان آزادی تهران در روز نکو داشت(۲۰ اردی‌بهشت)؛ البته این آهنگ حماسی و برجسته‌ی لرستان از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است ولی نه به این مناسبت!

۲- در برگزاری این جشن در شهر خرم‌آباد عدم انسجام در برنامه‌ریزی مربوط به این موضوع خاص موع می‌زد؛ حاشیه بر متن قوی‌تر بود چون از هر دری و موضوعی سخن به میان می‌آمد! از نام بردن و تمجید از مدیران دولتی تا کسانی که در صورت لزوم می‌بایست در دیگر مناسبت‌های مرتبط آژشان نامی آورده یا تجلیل شود. بنابراین نزدیک به دوساعت وقت، از زمان سپری شده شور و شوق لازم مورد نظر و مناسب این آیین بسیار کم‌رنگ بود و حتا سخنانی در پیوند با برخی نارسایی‌هایی مهم شهر و راحل‌هایی و... خبر چندانی نبود.

۳- از این رو، خستگی بر بخشی از باشندگان(حاضران) سایه افکنده و با طولانی شدن زمان، اقدام به ترک محل بر گزاری می‌نمودند.

۴- در پایان انتظار می‌رود ثبت رسمی این روز در تقویم کشور در دستورکار قرارگیرد.

۲۴ اردی‌بهشت ۱۴۰۳

خبر

مدیرکل ثبت‌احوال لرستان: ۱۴ هزار نفر به جمعیت لرستان اضافه شد



مدیرکل ثبت‌احوال لرستان گفت: «طی سال گذشته ۱۴ هزار نفر بدون در نظر گرفتن مهاجرت به جمعیت استان اضافه شده است.»

فریبرز امیری اظهار داشت: «بر اساس گزارش مرکز رصد جمعیت اداره‌کل ثبت‌احوال لرستان، حدود ۱۴ هزار نفر به جمعیت استان در پایان سال ۱۴۰۲، بدون در نظر گرفتن مهاجرت به جمعیت استان اضافه شده است.»
وی عنوان کرد: «تعداد ۲۳ هزار و ۹۹۷ ولادت در این مدت در استان به ثبت رسیده است.»

مدیرکل ثبت‌احوال لرستان با بیان این‌که از این تعداد ۵۳ درصد پسر و ۴۷ درصد دختر بوده است، افزود: «رتبه استان در کشور از نظر نرخ خام ولادت ۱۴ است.»

امیری، تصریح کرد: «درصد تمایل به فرزند سوم و بیشتر در لرستان طی ۱۴۰۲ نسبت به سال قبل از آن افزایش پیدا کرده است.»
وی افزود: «نام‌های امیرعلی، حسین و فاطمه دارای فراوانی بیش‌تر در پنج نام برتر برای نوزادان در استان بوده است.»
مدیرکل ثبت‌احوال لرستان، گفت: «در هر شش‌هزار روز در استان ۶۶ نوزاد متولد و ۲۷ مورد نیز فوتی به ثبت رسیده است.»

ادامه از صفحه ۲

ماجراهای من و سیاست

سید عیسی موسوی‌نژاد و عبدالرحیم بهاروند به مجلس ششم راه یافتند!
بعدها ثابت شد که موسوی‌نژاد در مجلس ششم یکی از ثابت‌قدم‌ترین نمایندگان مجلس ششم بود که دوشادوش نمایندگان، تحصن کرد و تاوان داد و ایستاد و پاک زبست. نام موسوی‌نژاد و دکتر احمدی و عبدالوند در شمار نماینگانی آمد که استعفا دادند!
متن نامه‌ی نمایندگان متحصن مجلس ششم آیینی‌ی تمام‌نمای باور درست نمایندگان است که در تاریخ گویا و روشن است.

ادامه دارد...

یادداشت

زیستی حکیمانه



دکتر مرتضای ادیب

حکیم را نباید با دانشمند هم‌سان پنداشت. حکیم کسی است که هنرِ چگونهِ زیستن را فرا گرفته و می‌داند که چگونه زندگی کند تا به رضایت و آرامش برسد. دانشمند کسی است که در یکی از رشته‌های دانش بشری، اطلاعات بسیاری را در ذهن انباشته است. برای رسیدن از دانش(دانشمند) به بیش(حکیم) باید زحمت کشید، باید عرق‌ریزی روحی داشته باشیم. رواقیان از جمله فیلسوفانِ حکیمی بودند که به واقعیت زندگی می‌اندیشیدند. دغدغه‌ی رواقیان، چگونگی دست‌یابی به آرامش و رضایت در زندگی بود.

ارسطو می‌گفت: انسان‌ها در پی سه چیز روانه‌اند: ۱- لذت جسمانی، ۲- ثروت، و ۳- حیثیت اجتماعی. رواقیون در پاسخ به ارسطو گفتند: انسان‌هایی که به دنبال آن سه در زندگی هستند، با سه عارضه‌ی نامطلوب مواجه می‌شوند: ۱- محرومیت، ۲- عدم امنیت، و ۳- سعی دردناکیز. دلیل این سه عارضه را هم این می‌دانستند که ما در پی چیزهایی هستیم که عوامل رسیدن به آن‌ها در جهان خارج در اختیار ما نیست و همین امر موجب محرومیت ما می‌شود. محرومیت، عدم امنیت(بیش‌تر روانی و وجودی) و سعی دردناکیز(تلاشی که منجر به نتیجه نمی‌شود)، ناخشنودی از زندگی را در پی دارند.

این سوال پیش می‌آید که آدمیان چگونه باید زندگی کنند تا بتوانند به آرامش و رضایت برسند؟

رواقیون گفتند سه نوع کار یا اتفاق یا عمل را باید از هم تفکیک کرد:

۱- اتفاقاتی که خارج از محدوده‌ی اختیارات و توانایی‌های من است. حکیم کسی است که برای این چنین اموری، آرامش را از خود سلب نمی‌کند.

۲- اتفاقاتی که تا حدودی در اختیار من است. مثلاً شرط این‌که من در کنکور قبول بشوم، این است که درس بخوانم، اما درس خواندن هیچ تضمینی برای قبولی در کنکور نیست، چون ممکن است یک روز قریل از کنکور تصادف کنم و اصلاً به امتحان نرسم!! حکیم برای این امور، تلاشی خود را می‌کند، اما هیچ انتظاری ندارد که حتماً نتیجه تلاشش را ببیند. ۳- اتفاقات یا اموری که کاملاً در اختیار من هستند. رواقیون می‌گفتند: تنها جهان‌بینی و نحوه‌ی نگرش ما به هستی در اختیار ما هستند. این‌که من چه باورهایی در نسبت با انسان‌ها و جهان داشته باشم، کاملاً در اختیار من است. من می‌توانم باورهای معتدل و مبتنی بر واقع را در خود پرورش دهم یا آن‌که باورهای سطحی و غیرمعتول داشته باشم. حکیم کسی است که باورهایی را اختیار می‌کند که موجب چشیدن طعم آرامش در زندگی شوند. باورهایی مانند این‌که همه‌ی انسان‌ها خاکستری هستند، این‌که رنج در ذات زندگی و هستی است، این‌که جهان ناعادلانه است و …

مکتب رواقی در روزگار معاصر رونقی دوباره یافته است. زیستن بر مبنای اصول این مکتب، زندگی‌ای آرام و سبک‌بار را به ارمان می‌آورد. برای آشنایی ژرف با مکتب رواقی می‌توان به کتاب فلسفه‌ای برای زیستن، از ویلیام اروین با ترجمه محمود مقدسی مراجعه کرد.

خبر

۱۰۰۰ جلد کتاب به زندان مرکزی خرم‌آباد اهدا شد

مهر: رییس اداره‌ی فرهنگی زندان‌های لرستان از اهدای هزار جلد کتاب به زندان مرکزی خرم‌آباد خبر داد.

روشن‌پور اظهار داشت: «در راستای توسعه‌ی فرهنگ کتاب و کتاب‌خوانی و استفاده از ظرفیت کتاب در غنی‌سازی اوقات فراغت زندانیان تعداد هزار جلد کتاب با موضوعات متنوع و مناسب گروه هدف به کتابخانه زندان مرکزی خرم‌آباد اهدا شد.»

وی افزود: «باتوجه‌به ظرفیتی که کتاب می‌تواند در راستای بسط دانایی، افزایش اطلاعات اجتماعی و اهداف اصلاحی و تربیتی زندانیان داشته باشد، این تعداد کتاب با همکاری جهاد دانشگاهی استان به مجموعه کتاب‌خانه‌ی زندان مرکزی خرم‌آباد اضافه شد.»



اشاره: سخن از منطقه‌ای است در غرب ایران، منطقه‌ای با آب و هوایی چهار فصل، ناحیه‌ای سرسبز و دل‌نشین با مردمی که پیوسته در ادوار تاریخ نام را جسته و ننگ را از دیار خود رانده‌اند. تا آن‌جا که ایل‌خانان مغول نتوانسته بر این خطه تسلط یابد.

منطقه‌ای با چنین آب و هوایی از داشتن افرادی با ذوق و ظریف‌الطبع بی‌بهره نبوده است، اما متأسفانه به علت صععبالعبور بودن منطقه و نداشتن امکانات کافی در این دیار بزرگان ادب و صاحبان قلم از صفحه‌ی تاریخ ادبیات این سامان حذف شده‌اند و آثارشان یا سینه به سینه گشته و یا در نسخ دست‌نویس به جای مانده و آن‌هم به مرور زمان دست‌خوش تغییراتی گردیده است.

از این خطه‌ی مردخیز و ادب‌پرور، بزرگان ادبی چون باباطاهر، ملامنوچهر، ملاپرشان و میرنوروز برخاسته‌اند و آثار دل‌نشینی از خود به‌جای گذاشته که آثار چند تن از این بزرگان به همت پژوهشگر و ادیب ارجمند زنده‌یاد اسفندیار غضنفری امرایی گردآوری و به چاپ رسیده‌است که غرب ایران خود را مدیون این بزرگوار از نظر احیای فرهنگ و ادبیات این خطه می‌داند.

در مقدمه دیوان میرنوروز اشاره چندان‌ی به شعرى و سبکی که کلام میر در آن بروز نموده، نشده است لذا این حقیر با کمی بضاعت درصدد برآمدم تا معرف زبان شعرى و سبک کلامی میرنوروز باشم. امید است که مقبول درگاه حق و عزیزان ادب دوست قرار گیرد.

با نگرشی کوتاه به آثار و اشعار میرنوروز، شاهد سبک مهم شعرى خواهیم بود یکی سبک خراسانی و اشعار فارسی و دیگر سبک هندی یا بهتر عرض کنم عصری ادبی که شاعر در آن می‌زیسته است.

پانصد سال تفاوت سبک شعرى را بین اشعار

لری و فارسی میرنوروز مشاهده می‌نمایم

اگرچه در بعضی اشعار قریل خود گریزی به

سبک هندی زده‌اند.

کی شکسته دُرُج لعل اُبدارت

کی به تاراج خزان داده بهارت

اما وقتی که پای تحقیق را در باغ اشعار لری میر می‌گذاریم عطر تازهای از گلزار کلام او

بسی می‌خیزد و گویی از کوبری خشک ناخودآگاه پای در باغی سرسبز پر از سوی ریاحین اما هرکدام با رنگ و بویی خاص می‌گذاری و گویی خود میر همراه توست و قدم به قدم در

فرهنگی – اجتماعی

نقد و نگاه

تصویر در شعر میر نوروز



گوشت نجوا می‌کند، جایی که غرق در تصویر کلامش می‌شوی و گاه خود را با میر اشتباه می‌گیری.

پسای در گلزار کلامی گذاشته‌ایم که تمام تصویر است استعاره و تشبیه و ظرافت خیال و اندیشه‌های باریک در گوشه و کنار این گلزار قد علم می‌کنند. در اشعار لری میرنوروز گویی که صائب تبریزی به لهجه‌ای دیگر سخن می‌گوید و اگر شعر را نقاشی بتوان کرد یا به تصویر بتوان کشید بدون وقفه کلام میرنوروز را روی تابلو مجسم خواهد کرد و این خصوصیات است که در شعر سبک هندی به چشم می‌خورد.

گیسوانش حلقه واله وادوش

ماه نو گشته خجل ز طاق ابروش

که می‌توانم ادعا کنم زبان شعرى میرنوروز از هندی، هندی‌تر است و ظهور این سبک زمانی است که میر در آن می‌زیسته است. شاعر برخاسته از خانواده‌ای بزرگ حاکم زمان از بستگان شاهوردی‌خان حاکم لرستان، ولی رنج دیده زهر نامردمی چشیده، بی‌زار از جور زمان، غریب افتاده‌ی وطن خویش با نگاهی غرق نفرت از پلیدی روزگار زمان خویش:

روزگار از چنینی زتری رو

کشتمه برف نثار و صاعقه شو

از بستگان خویش به تنگ آمده و می‌گوید:

دلم میها بمیرم د هجر یاری

نشوم بالا سرم دنگ براری

از زردی گونه‌ی زمان خود رنج می‌برد، چشم دیدن خزان چهره‌ی یاران موافق را ندارد بی‌نفس خلوت گزیده و می‌گوید:

گر نزه گر دم نیا رنگت بینم

وجدانِ گوشه‌گیر

انسان بودن بسیار مهم تر از اهل هر کجا بودن است!

یا با پرسش راجع به وضعیت شغلی و دوراهی اختیار آزاد داشتن یا نداشتن انتخاب مدمم، پا در کفش آدم می‌گذرانند و سوآلات جنبه ی دخالت در زندگی شخصی پیدا می‌کند! در صورتی که به نظر م ما آدم‌ها باید به جنبه‌های اخلاقی و ویژگی‌های شخصیتی آن فرد توجه و به خاطر بسپاریم در همزیستی‌های لحظه‌ای و موقت رو در رو شلن و نه قاعده‌ی ساختگی دست و پا کردن اعتبار فله‌ای به وسیله‌ی پول و طلا و هر شکل اطلاع رسانی مبتنی بر مهم جلوه دادن خود! البته این نکته را هم اضافه کنم که همیشه باید دور آدم‌های مناقبت خنوان درگیر و دار زبان به مژدی خود به استاد اعلامی را هم خط نکشید!

کسانی که در طول عمر چند تقابلی خود هم‌چون بدگوهران وسط باز و فرصت طلبی از هر آنچه که به برآوردن نیاز و قرارگیری‌شان در نقطه عطف زندگی کمک می‌کرد خود را بهره‌مند ساختند! از ماجرای امتیاز نورچشمی‌های قانونی تا فالوهای سازمان یافته‌ی مزیتی! از ویژه خواری‌های به دست غفلتِ خبری تا تقلب‌خوانی در امتحان‌های جلسهای!

بگذریم… به این فکر می‌کنم که بخش دوم سوآلت را با چه پاسخی توضیح بدم که تاریخ شفاهی به ریشم نخندد و وجود انسان‌های میهن دوست خدمت‌گزار برایش باورپذیر باشد! وجدانی که صدای نِم و فرکانس هشیار کننده‌ای دارد برای هر آدمی که غذایِ روحش رایحه‌ی خوش آیند خوشنودی است سرآغاز ماجراهایی است که پاسخی مناسب برای این سوال سخت مِکشی نیافتیم که چرا باید به میزان مُدام بادی در وجود من این نخواستی دردسرساز بیهوده در باطن دل‌پرور پدیدار شود و پایدار بماند!

چون هر گاه و در هر مرحله‌ای از این عمر سر شده



حشمت‌الله خالقی

بید از بی‌حاصلی بر خویشتن خنجر کشید
میر در مورد پیری چنین می‌گوید:

چوونی زه و قدم و تاو و تاجیل
این پیری من دِ سرم چی سنگ پاییل

و صائب می‌فرماند:

بر چهره‌ی من آن‌چه سفیدی کند نه پوست
گردی است مانده بر رخم از رهگذار عمر

میرنوروز در مورد مرگ چنین می‌گوید:
اسب چوبی بیارید بکید سوارم
م‌ها میرم وگرگشته کی‌ها دِ کارم
صائب می‌گوید:

نمی‌گردد به خاطر هیچ کس را فکر برگشتن
چه خاک دل‌نشین است این‌که صحرای عدم دارد

میر درباره‌ی گذشت روزگار می‌گوید:
روزگار چی باد و باد چی روزگاره
روزگار چی باد ضر صر می‌گواره

و صائب می‌گوید:

ز روزگار جوانی خبر چه می‌پرسی
چون برق آمد و چون ابر بهار گذشت

میر درباره‌ی خال لب چنین می‌گوید:
ایمرو خال و لویی کرده کوام
نمنه هوش و سرم خونه خراوم

و صائب می‌گوید:

گوشه‌گیران زود در دل‌ها تصرف می‌کنند
بیش‌تر دل می‌برد خالی که در کنج لب است
آن‌چه که گذشت مقایسه کوتاهی بود بین شعر
میرنوروز و ابیات صائب و شاید بتوانیم بدین طریق اشعار دیگر میر را با کلام شعرای سبک هندی مقایسه کنیم.

اما نکته‌ای که لازم به تذکر است ما درخواهیم یافت لهجه‌ای که میر در شعر خود به کار برده لهجه میزانه است زیرا ما هرچه به طرف جنوب خرم‌آباد قدم فراتر می‌نهمیم یا لهجه‌ی غلیظ‌تر بالاگروه آشنا خواهیم شد و غلیظ‌ترین این لهجه‌ها، لهجه میزانه است؛ آن هم در منطقه‌ای بنام سسیمره که موطن اصلی میرها بوده و نتیجه خواهیم گرفت که به‌مرور زمان اشعار میر دست‌خوش تصرفات و تغییراتی شده است که امید آنست بزرگان و ادیبان و پژوهشگران این سامان درصدد باشند تا اشعار میرنوروز را به همان لهجه میزانه مستند به‌دست آورند و در چاپ‌های بعدی دیوان گنجانده شود.

رسالهی تشریفات

آیین زندگی(۳۱۰)

*فرزندان و بستگان

– **برون‌ریخت‌های هویتی**
بلوغ، سرآغاز هویت‌یابی جنسی نوجوانان است. نیاز به ارضای عقلی و عاطفی و تخلیل تحریکات جنسی، نسبت به جنس مخالف انگیزه برون‌ریخت، این دوران است.

اطلاعات خودی

سرآغاز نیاز در دوره‌ی بلوغ جنسی کسب اطلاعات پیرامون مسائل کسب اطلاعات خود و فرزندان را مخالف است. اگر مسیر جنسی و جنس در این دوران، غیر مبهم، غیر متناقض و سازنده، طراحی و تأمین کرده باشی، نیاز فیزیولوژی نوجوانی او را تعدیل و قابل کنترل کرده‌ای!

استقلال کورگوانه

دوره‌ی بلوغ، دوره‌ی دست‌یابی به آیین استقلال‌یابی نوجوانی است. اگر فرزندان را به ضرورت، چگونگی، راه‌کار، ابزارهای استقلال‌جویی آشنا کرده باشی او را در مسیر استقلال‌طلبی آگاهانه و مثبت قرار داده‌ای، در غیر این صورت او کورگوانه راه استقلال‌خواهی!! را که ممکن است عین وابستگی باشد، طی خواهد کرد.

ادامه دارد…

خبر فرهنگی

سه هزار و ۴۲۴ هنرمند لرستانی عضو صندوق اعتباری هنر هستند



مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان گفت: «سه هزار و ۴۲۴ هنرمند لرستانی عضو صندوق اعتباری هنر شده‌اند که از این تعداد ۴۵ هزار و ۴۵ نفر عضو فعال هستند.»

اعظم روانشاد روز سه‌شنبه(۲۵ اردی‌بهشت) در کارگاه آموزشی توجیهی طرح «بهبود» اظهار کرد: «ماماهای ابتدایی سال جاری و طی سفرهای شهرستانی با توجه به دغدغه هنرمندان سطح استان در خصوص صندوق اعتباری هنری، رسیدگی ویژه به مسائل صندوق در اولویت سیاست‌های این اداره کل قرار گرفت.»

وی با بیان این‌که عضویت‌های بی‌رویه در گذشته صندوق هنر باعث شد هنرمندان واقعی از حق و حقوق دور بمانند، افزود: «امید است با اجرای طرح بهبود که یکی از طرح‌های ویژه صندوق هنر در دولت سیزدهم در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛ این عضویت‌های بی‌رویه ساماندهی و هنرمندان به حقوق حقه خود برسند.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان با تأکید بر این‌که این طرح در راستای سیاست‌های کلی و استمرار فعالیت‌های اداره‌کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان در دستور کار قرار خواهد گرفت، ادامه داد: «اجرای این طرح بطور قطع موجب امیدآفرینی و اعتماد اجتماعی هنرمندان به دولت و نظام بر می‌گردد و امسال موضوع عضویت هنرمندان واقعی در صندوق هنر در اولویت مسائل فرهنگی و هنری این اداره کل قرار می‌گیرد.»

روانشاد با سپاس از حمایت‌ها و توجه ویژه وزیر ارشاد از صندوق اعتباری هنر گفت: «اجرای طرح‌هایی مانند میلاد مفاخر، چاوش، بهبود، قاب هنر و سایر اقدامات مهمی که در دستور کار قرار گرفته مانند مسکن مهر هنرمندان، باعث بهبود حمایت‌های صندوق از هنرمندان شده است.» وی از عضویت سه هزار و ۴۲۴ هنرمند لرستانی در صندوق اعتباری هنر خبر داد و گفت: «از این تعداد ۲ هزار و ۴۵ نفر عضو فعال هستند و این آمار نیازمند پالایش دارد تا هنرمندان واقعی مشخص شوند.»

روانشاد با اشاره به این‌که زیرساخت‌های اقتصادی در لرستان ضعیف و تمامی نگاه هنرمندان به سمت حمایت‌های دولت و نظام است، اضافه کرد: «هنرمندان پیش‌کسوت گران‌قدری داریم که سرمایه‌های اجتماعی هستند و در طرح مفاخر باید این پیش‌کسوتان به صورت ویژه دیده شوند؛ هم‌چنین برخی هنرمندان به‌لحاظ وضعیت جسمانی مشکل دارند که آنان را جهت حمایت بیش‌تر به صندوق معرفی می‌کنیم.»

مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی لرستان تصریح کرد: «تأکید ما در صندوق شناسایی هنرمندان واقعی بوده تا برای آنان شان و منزلت قائل شویم. در همین راستا در تمامی شهرستان‌های استان تأکید ما این‌س بوده که روسای ادارات فرهنگ و ارشاد همکاری لازم را با هنرمندان داشته باشند.»

پومی سرود
----- مَرْتضَا رومانی -----
اوسنو یادش وخیر هر نوبهاری <p>چهالو شال کمروی و سر سَوارِی بی قباری ای دلَم چی آور یارو بارالها هان کجا او سهسوارو شَیرِیایا کز کلاو قطار چپ و راس طور پاشو ها چا د تنگ بُواس شهبه اسب یا زنگ د میل د پاچه کوه یا می پیچس پوقه برنو د گوش دنیا مُردمه سی او قدیم سی او روزگارو شو و روز ها مینالم د دس دورو شیر زنو کی نو زنو ساعوه هراتی میرتن سی خین و سَل و هر ولاتی مر خاو بین مر خیال بی او روزگارو رت د ویر روزیا خو خو د یاد دورو</p>

◄ **پیشخوان سیمره**

شاعری که درخت شد!



کتاب «دارم درخت می‌شوم» مجموعه اشعار «جعفر درویشیان» چاپ و منتشر شد. این کتاب که شامل اشعار کلاسیک درویشیان می‌باشد، در هزار جلد، به همت انتشارات تاق‌بستان چاپ و منتشر شده است. جعفر درویشیان، متخلص به «غروب»، شاعر کرمانشاهی، زاده‌ی سال ۱۳۳۴ خورشیدی، در کرمانشاه و اکنون ساکن کنگاور است.

پیش از این چهار مجموعه شعر دیگر به ناهای «سبسی از باغ زمستان»، «آینه‌ها و دروغ»، «گنجشک‌ها سلام» و «آتش زیر خاکستر»، از ایشان منتشر شده بود.

◄ **ادامه از صفحه‌ی ۳**

نمادهای زاگرس را دریابیم!

محیط زیست زنجیره‌ی به هم پیوسته است. اکثر نواحی لرستان را پوشش جنگلی فراگرفته است. گونه‌ی اصلی جنگل‌های لرستان درخت بلوط است. لرستان از نظر سطح پوشش جنگل در کشور در جایگاه دوم قرار دارد. حدود ۲۰ درصد از جنگل‌های زاگرس در لرستان قرار دارند. اهمیت پوشش گیاهی لرستان به دلیل ارزش زیست محیطی و ارزش اقتصادی است.

جنگل‌ها از مهم‌ترین منابع طبیعی به شمار می‌روند. در مناطق کوهستانی، لرستان تنوع زیستی و گیاهی و جانوری بالایی را خود دارد که هر نظاره‌گری را به تحسین وا می‌دارد.

کوه‌ها، دشت‌ها، دره‌های سرسبز که توانایی‌های طبیعی و جاذبه‌های گردشگری‌اش می‌تواند در توسعه‌ی اقتصادی نقش مهمی را داشته باشند.

مردمان سرزمین تاریخی و باستانی لرستان همیشه حافظ و نگهدار بسیار مسؤلیت‌پذیری در حفظ این میراث داشته و دارند.

درختان بلوط به‌عنوان نماد لرستان و بارزاندگان تمدن کاسی همیشه در ذهن و فرهنگ مردمان این سرزمین بسیار مقدس بوده و هستند و در کنار این احترام و رابطه‌ی مردمانش علاوه بر استفاده‌های متعدد از این درختان و میوه‌هایش از چوب و زغال نیز به‌عنوان منبع سوخت استفاده نموده است.

اکنون به دلیل بهره‌برداری غیراصولی و بیش از ظرفیت از جنگل‌ها و مراتع سبب نابودی آن‌ها شده است.

هر ساله صدها هکتار از جنگل‌های لرستان تخریب می‌شود.

چرا اقداماتی برای حفظ و جلوگیری از نابودی جنگل‌ها و مراتع به صورت جدی صورت نمی‌گیرد؟

یکی از پدیده‌هایی که مستولان و مردم این استان باید محققانه و دلسوزانه‌تر به ایماذ مختلف آن بپردازند پدیده‌ی تولید زغال و زغال فروشی‌هاست.که در مغازه‌های زغال فروشی و سوپرمارکت‌ها خوندنمایی می‌کنند و بی‌تفاوت از کنار آن‌ها گذر می‌کنیم و کسی نمی‌داند که این

زغال‌ها از کجا آمده و چگونه به‌دست‌آمده‌اند؟! می‌تبلد که علاوه بر کارفرهنگی و آموزشی در خانواده‌ها و مدارس و رسانه‌ها، نهادهای ذی‌ربط در ارتباط با جنگل‌ها برای پیش‌گیری از تبعات منفی این پدیده‌ی تولید مخرب و بی‌رویه زغال ازدرختان بلوط نقش اجرایی نظارتی و حتا قانونی خود را بیش‌تر و بیش‌تر اعمال نمایند.

«دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی

سال بیستم / شماره‌ی ۲۲۱

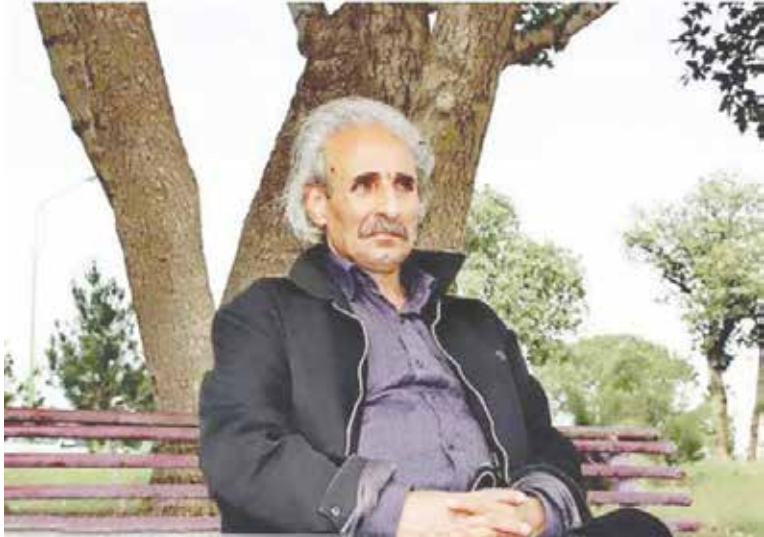
ادبی، هنری

یاد بعضی نفرات

نغمه‌های بشکوه و حنجره‌ی ارغوانی زاگرس

ایرج رحمان‌پور، ترانه‌سرا، خواننده، آهنگ‌ساز و موسیقی‌پژوه

بخش چهارم



از نکات مهیـم و مه‌آلود پیرامون اقوام مادی و زاگرس‌نشینان این است: مردمان کنونی و ساکنان زاگرس‌نیشینی که در جغرافیای غرب ایران مستقرند، هم‌چنان فرهنگ، زبان و دیگر عرصه‌های زیست جمعی و هستی اجتماعی خود را حفظ کرده‌اند. یا این‌که پاره‌ی از اقوام زاگرسی در برخی نقاط ایران پراکنده‌اند، اما هیچ‌چیز نتوانسته است آن‌چه را در گذشته و اعصار دور تاریخ در وجودشان نهادینه کرده‌است، خدشه‌پذیر نماید. آنان با همه‌ی پراکندگی و دوری از زاد-بوم و سرزمین اجدادی و جداماندگی از موطن نیاکان و تبار تاریخی‌اشان، هم‌چنان پاسدار فرهنگ، زبان، آیین و سنن تاریخی خویش و وارث نیا و تباری تاریخی- فرهنگی‌اند که از اعصار گذشته و روزگاران دور و دراز در آن‌ها به امانت سپرده شده است.

اقوام زاگرس‌نشین با این‌که هیچ سود و سهم و نصیبی از چندسده‌ی اخیر ایران نبرده‌اند، اما در سال‌های پسینی سرنوشت ایران و هنگامه‌های تلخ و تراژیک این سرزمین، همواره با روانی رنجور و شانه‌ای برای رنج کشیدن، یا به پای سختی راه و پیچ و خم‌های پرستگلاخ آن، رفته‌اند. جز در بزنگاه‌های مهم، و هنگامه‌ی هجوم اردوی بیگانگان، سینه به گلوله‌های دشمن داده است و برای وطن، گریبان چاک کرده است و زخم آن را بر تن خود به یادگار دارد. اما این اقوام فقط برای روزهای سخت و تلخ به یاد مانده است و از فردای پیروزی و روزهای غنیمت بران، سهمی و نصیبی نبرده است و یا با آن‌ها در ادراه‌ی امور و سرنوشت اجتماعی اجازه‌ی مداخله نداده‌اند و نمی‌دهند، اما همواره هویتِ فرهنگ، زبان و دیگر عناصر و عرصه‌های زیست اجتماعی خود را حفظ نموده است.

مردمان زاگرسی، با این‌که در ادوار گذشته‌ی تاریخی و در برابر هجوم اردویی مهاجمان به ایران بزرگ، هرگز سرزمین‌اشان تسخیر نشده است، به صورت مستقیم و با حمله‌ی نظامی سرکوب نشده‌اند، جز در دوره‌های متأخر، به‌ویژه در دوره‌ی شاه‌عباسی و عصر رضاخانی که نفی بلد شده‌اند، هیچ‌گاه ننگه‌هایی از جغرافیایشان تصرف نشده است. حتا در هجوم اردوی مغولان از جنگی‌خان تا دوره‌ی ایلخانی، این جغراقیا دست‌نخورده باقی ماند. تیمور جهانگشای گورکانی هم با این‌که به بخش‌های از این خطه هجوم برد، اما چندان دوام نیاورد. پس از آن هم در دوره‌ی هجوم محمود افغان نیز از گزند افغان‌ها در امان ماند.

به هر روی، این سرزمین، هرگز و هیچ‌گاه رنگ سلطه و سیطره‌ی مهاجمی بیگانه را به خود ندیده‌است و هم چنان دست نخورده باقی مانده است. قوم لر و مردمان زاگرسی سرزمین ایران، سال‌های سال میراث خود را حفظ نمودند و فرهنگ و هویت فرهنگی و تاریخی‌اشان در طی سال‌های هجوم بیگانگان به ایران، هرگز ذره‌ای خدشه بر نداشت‌ه است. زاگرس‌نشینان، نسل به نسل از هویت و داشته‌های تاریخی خود پاسداری نموده و همواره‌ی روزگار میراث دارِ فرهنگ و تبار تاریخی خود بوده‌اند.

رحمان‌پور، زبان و فرهنگ مردم زاگرسی را میراث گویش‌ورانی می‌داند، که به این زبان صحبت می‌کنند. مردمان این اقلیم و زاگرس‌نشینانی که در سرتاسر فلات ایران رفته است، اما آن‌چه که مورخان و تاریخ‌نگاران نوشته‌اند، گواه این است که حداقل سه قیام بزرگ مادها در تاریخ ثبت و ضبط شده است.

نابابر برخی اسناد، تا مدت و قرن‌ها کوروش را «مَدی» می‌خواندند. بعد از آمدن ساسانیان و ظهور این دولت، دیگر هیچ نام و اشاره‌ای از مادها برده نمی‌شود؛ تنها نامی و یادی که از مردمان «مَدی» برده می‌شود، همانا ذکر و یادی است که ذیلی: مردمان «جبال»، «ماسیندان»، «ماه کوفه» و «ماه بصره» برده می‌شود.



◄ **محمد کاظم علی پور**

«ایست» معمول است، به کار می‌رود و به دنبال آن، کلمه‌یۀ «یا» یا «په» یا «پاتی» به کار می‌رفت که برای ساده کردن و راحت کردن تلفظ آن به صورت «پ» استفاده می‌گردید. برای مثال در گویش مادی، به رییس بابل؛ «باور- اس پ» می‌گفتند، و به معنای؛ «بزرگ ایستگاه باوری‌ها» است، و در شاه‌نامه هم به صورت «بیدر اسب» در آمده است که به طرزی نادرست به «دارنده‌ی اسبان زیاد» معنی گردیده‌است. چنان‌چه در بعضی متون و لغت‌نامه‌ها «لهراسب» هم به «رییس ایستگاه لر» معنی شده است.

رحمان‌پور، با استناد و اتکا به روایات اوستا معتقد است: زرتشت یا «زرده سوار»، پس از آن‌که دعوت خود را آغاز کرد، به شدت مورد آزار مخالفت‌اش قرار گرفت. به‌زعم رحمان‌پور، بدخواهان زرتشت، پیامبر باستانی ایران‌زمین، چنان با این پیامبر صلح و نیکی دشمنی کردند و با او به ستیزی آشستی‌ناپذیر برخاستند و سبب سزا- آن شدند تا دل از موطن خویش بر کند و رخت سفر ببوشد. زرده سوار، که خود را پیامبر نیکی می‌دانست و رسالتی جز اصلاح پندار، گفتار و کردار مردمان نداشت، از بدسگالی و بداندیشی مردمان ديارش به ستوه آمده بود، ناگزیر شولای هجرت بر شاهانه انداخت و از سرزمینی که جایگاه و خاستگاه نخستین دعوتش بود، نومید گشت و به سرزمینی دیگر مهاجرت کرد، که شخصی به نام «کوی پشت اسب» بر آن فرمانروایی می‌کرد. «کوی پشت اسب» معاونی داشت، که «جاماسب» می‌نامیدند و به «گاماس او اسب» معروف بود. «کوی پشت اسب»، رییس ایالت «کوی پشت- کوی دشت»، بر این پهن‌دشت و قلمرو وسیع حکم‌رانی می‌کرد. وزیرش؛ «گاماس آب»، بر سرزمین «گاماس آب»، که نام مادی «سی مره» است، حکم روایی می‌کرد.

در «کوه‌دشت»، گور- مقبره‌ای مورد پرستش به نام «زرده سوار»، وجود دارد. بنابر برخی روایات، برادرِ حاکم و فرمانروای ایالت، دختر خود به نام «هوی» را به زرتشت داد. از طرفی، گوری به نام «باوه هوی» در «کوی پشت» وجود دارد. به گزارش پاره‌ای سِجِل نویسان دری، قبر «گاماسب» را نیز به «باباخیب» ترجمه نموده‌اند. در نورآباد نیز «هوی ون» را «حبیب‌وند» می‌خوانند. در کوه‌دشت، محلی به نام «کوی ژینه» وجود دارد، که گور کسی به نام «کرکچک» هست، که به معنای «پسر سنگ» است و نام یکی از رؤسای ایالتی ماد است که در برخی روایات تاریخی به صورت «کونگ کار» آمده، که در نوشته‌های مورخان یونانی از آن به «کمپاک» یاد شده و به معنای «پسر سنگ» است.

در گفت‌وگو با شاعر، ترانه سرا و هنرمند جریان‌ساز موسیقی لرستان، که بیست و چندسال زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

در گفت‌وگو با شاعر، ترانه سرا و هنرمند جریان‌ساز موسیقی لرستان، که بیست و چندسال زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

در گفت‌وگو با شاعر، ترانه سرا و هنرمند جریان‌ساز موسیقی لرستان، که بیست و چندسال زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

سه‌شنبه ۲۵ اردی‌بهشت ۱۴۰۳

شعر

عبدالرضا فریدزاده
----- مَرْدَن بِلد نبودی -----
بانو <p>بانوی بانوان روشنای جهان هزار و هفت زندگی یک‌ریز شیرزن – یکه – سرآمدبانو!</p>
تو که مرثیه نوشتن – تلخاتلخ – به پر کشیدن خود به مغزی خودکارم آموختن بلد نبودی بانو آسمان – پرند – پروزبانو!
تو که در حلقه‌ی تنگ صد‌ها خنجر بی‌کس نهان من بلد نبودی بانو!
بانو

های کوه فروریخته، هی هالای
تخیر ناگهان آقبانوس، هی هالای
های هالای بانو، بانو، بانو
هی‌های هالای هالای بانو
بانو
بانو
توکه ...
ای وای
والای
والای

◄ * مویه‌های دختران لانسیم □ در فراق مادرش

-----**محمدکاظم علی پور**

راز ناگشوده

شقاوت این واژه‌های بی دسترس
که دل دل می‌کنند بشورند را به نوید
بدهید این توپ آواره هم سهم نیما
رنج‌هایم را برای تو گذاشته‌ام

-----**محمدکاظم علی پور**

لایق که نشوی
حتی قادر نیستی آرامش خودت را بر هم بزنی
وقتی نمی توانی کاری بکنی
دست در جیب می کنی و
به آسمان و ستاره هاش خیره می شوی
شعر هم که چندسالی است
خودش را بر مرغن زده است
پس به پارک می روی و
به تماشا می پهلوانی خسته
که هر روز زنجیر آبرویش را می بُرد
و دستش را دکمه‌ی پیراهنش می‌کند.

ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.
ملایم‌تر از خلسه‌ی شقایق در سایه‌ی سببی که از شاخه‌ی دلت افتاد زندگی طعم تاریخ پیچیده می‌دهد مثل اشکی که از گونه می‌غلتد و در دریای دلت می‌نشیند.

-----**زانا کردستانی**

انتظارم،
بوی سیگاری‌ها ز گرفته...
و روزهای تلخ نیمه سوخته
میان بغض خاموشت وول می‌خورد.
...
—خط‌خطی‌های من،
حزن بی‌پایان خانه‌ستا!

۲)
پُر از هراسم!
نه هراس از مرگ خفته
در لوله‌ی تفنگ!
یا:
عبور شیخ یک سایه
بر دیوار!
...
تمام ترس من؛
سقوط از چشمانت هست
نه،
هراس افتادن
از دلت!

^[1] محمد کاظم علی پور

^[2] محمد کاظم علی پور